

انگوت و انحصار نامه مختلف نه نموده فتح و ضرر  
یکدیگر را راجع بخود بدانیم. از خلاق عالم و طالبان  
عوام ابقاء این اتحاد حقیقی ثابتاً صادق را مائل و  
طالبیم. زنده باد حریت و عدالت پاینده باد استقلال  
مشروطیت ایران

( ماده اول ) حفظ وطن عزیز بر هر فرد از  
افراد ایرانیان لازم است. این خادمان وطن فرض  
ذمه خود دانسته و عهد نمودیم تا آخرین دقیقه  
امکان با تمامی قوای خدا داد خود مان در حفظ  
استقلال مملکت ایران بکوشیم که ذره تصور نوزیم  
( ماده دوم ) در احوال و تقای مشروطیت باید لازمه  
اتحاد را بصل آورده از هیچگونه فداکاری خود  
داری غنائم تا مشروطه صحیح در مملکت ایران  
رواج گیرد و پدیدار نماید

( ماده سوم ) چون حصول امنیت برای مملکت  
از واجبات اولیه و نخستین شرط وطن پرستی است لذا  
این خادمان ملت و وطن متعهد شدیم هر کس در  
حدود و سامان خود آسایش و امنیت فراهم بیاورد تا  
تجارت داخله و خارجه محوط و روابط بر المسلمین  
محصول نماید و انانی وطن عزیز خود و تبعه خارجه  
هر مهمل امن و امن زندگانی نماید و اولیای دولت  
و ملت نتواند آسوده خاطر در رواج مشروطیت  
و حفظ استقلال ایران بکوشند

( ماده چهارم ) چون عمده مقصود از این اتحاد و  
حفظ استقلال مملکت و احزای وظائف مشروطیت  
ایران است لذا هر کس از روسا و اکار ایران  
همین عقیده باشند و طالب اتحاد صادقانه تا این هیئت  
که موسوم به هیئت اتحادیه است بشوند با کمال توقیر  
و احترام خواهیم پذیرفت

( ماده پنجم ) هیئت اتحادیه در حفظ شرف و منافع  
و مقام یکدیگر حتی الامکان متعهد و درین باب  
ذره تصور نتواند ورزید

( ماده ششم ) هیئت اتحادیه خود را حامی و ناظر  
مجلس مقدس دارالشورای ملی شید الله ارکانه اعلان  
نماید. باین معنی که اعضای محترم مجلس مقدس از  
بن بعد خود را دارای یک قوه عظیمه دانسته به  
راغبال بدون ملاحظه از احدی در منافع عامه ملی  
مملکتی آراء خود را اظهار فرموده در وظائف و  
تکالیف خود تصور نوزید. احیاناً هر کس را مغرض

و مخالف یا بنوان طرفداری بشناسند بی نسی و  
واحه اظهار داشته و در صورت صدق وثبوت در  
صدد طرد و رفع او بر آید و این خادمان وطن  
در تقویت مجلس مقدس خود را دمه دار خواهیم  
دانست ( صولت الدوله سردار عشایر )  
( منیر السلطنه سردار ارفع )  
( علامرضا سردار اشرف )

جبل الملتین - عدم مراعات مقتضیات وقت نتایج  
وخیمه تولید می نماید. افسوس که وزیر محترم  
همان عقول تشخصی خود سعادت درآمده بصلیح  
فاحشین را گوش نداده نه تنها خود را موهن قرار  
دادند بلکه يك ماده بسیار عظیم که هم میتواند  
سبب سع و هم نقصان شود تولید نمودند. این است  
نتیجه سهو سیاسی - این است اثر نخرمگی -  
این است مایه خودخواهی - بی همین مناسبات است  
که حراید روسیه نوشتند که اعصایه ریسه هیئت  
کابینه مابده دوره محمدعلی مجلس و مجلسیان را تهدید  
کردند. اگرچه ما مرکز قبول این سخن را نتوانیم  
عمود ولی اگر مقرون بصواب دانیم نتیجه آن تهدید را  
تشکیل اتحاد فوق الذکر باید دانست که در برابر قوه  
اعتدالیون انقلابیون را هم قوتی بسزا حاصل آمد -  
بمقتیده ما بزرگترین اسباب سعادت مشروطیت ایران  
همین اتحاد تواند شد و بر آنچه اعتدالیون را از  
تهدید انقلابیون باز تواند داشت همین اتحاد است بلکه  
این اتحاد میتواند دول متجاوز را که بوسائل دستهای  
داخلی همه گوه تجاوزات مائل آمده اند رتبه رفته  
پیش پای خود باشند و ما این اتحاد را بزرگترین  
مایه سعادت ایران و پیشرفت اصول مشروطیت  
توانیم گفت

بگاس بکسر از زبان منبر ایران  
مسلمی حبله بچاره اهل منبر ایران که با  
سپر دل و جان و شمیر زمان بدل جهاد نموده و  
در طریق مشروطیت که نمر شجره ایان است  
صریح بشرطها و شروطها پای شمرده و از هدف و  
تلب خود در این راه پروا نداشته تا آنکه این  
مبارک زر را در این بوم و مرز کشته و بخون  
بنویان آبیاری گشته نتیجه اش آن شد که بعضی  
کشته و برخی آواره و سرگشته در قصبچها و  
دهکدهها در فشار ارباب استبداد گرفتار گردیده با

ایحال بمحمدافه قدمهای ایشان نلفزیده و از اعلاء کلمه مقدسه در هر مسجد و منبر آنی غفلت نورزیده چنانچه جناب مستطاب واعظ حضور ~~سکه~~ از وعظ نامی و مشهور دارالخلافت و زاده آزاده آقای حاجی ملا ابو طالب مجتهد محلاتی اعلی الله مقامه میباشند سناً شصت و از علماء علیل الزاج و محترم در اضطراب و انقلاب اول نظر به الزرار بما لا ینطاق من سنن المرسلین در این دو سال از طهران هجرت نموده و طریق وطن پیوده و در آن حدود لحظه نیاسوده و انشاء وطن را سرأ و علناً بر و داد و اتحاد و اتحاد انجمن ولایتی به اتفاق جناب افتخار اندا کرین تشویق و تخریص مینمود تا آنکه برخلاف میل حاکم پانزده ساله که اطلب میفرمودند در این پانزده سال که حکومت محلات متعلق بامت مشروطه است دیگر لازم به انجمن ندارد، از معرفی این بزرگوار همبقتدر عرض می شود که از سادات طباطبائی نایب میباشند و در هر صورت انجمن ولایتی در کمال خوبی از هرجهت بر وفق قانون تشکیل یافته و اشخاص دیگر هم که سالهای سال از استان استبداد شیر نوشیده و از مکیدن این استان به عرواث شیب رسیده و در مقام خرابی مقاصد ایشان کوشیدند، تا آنکه این چنین انجمن ولایتی متفق را برهم زدند خلاصه پس از چند روزی ایام عاشورا گذشته در مسجد جامه جوان ~~سکه~~ نام او ملا قوام است و حسب ارت متصدی امور این مسجد و تزیین و توقوفات میباشند، با جمعی عوام نسبت به جناب آقا شیخعلی واعظ حضور به تحریک مستبدین بحساب منبر او حمله و برخاست نمودند نطق جناب واعظ هم در منبر این بود دایره ~~سکه~~ قطب وسط آن دایره وجود مقدس محمد (ص) است و نیم آن دایره یمن و نیم دیگر شمال جهت اعلی دایره علین و جهت اسفل سجین این دایره و اداره کلاً ام جزء صورتاً او سیرتاً یمناً ام شمالاً علواً او سفلاً اصل و شالوده تمام دایره و ادارات هستی بوده و میباشند چنانچه قطب این دایره را مثل و مانندی در هیچ حیثی از حیث و عالی از عوام نمیباشد نفوس و اشخاص از این دایره و اداره را هم سعیداً ام شقیباً مثل و مانندی نخواهد بود، همچون سلمان از نیکان و اصحاب یمن

که درجات دهکاته ایان ختم به او و صاحب مقام منیع است و عقد برادری بستن رسول الله میان سلمان و اباندر و هر دو تن از سارین با یکدیگر کاشف بر این است که مبنای این دین که اشرف همه ادیانست بر اخوت و مواسات و مساوات و برادری و برابری و و داد و اتحاد بوده، آنجوان اینکلمات حکیمانه را دست آورز نموده حمله آورده بجانب منبر که بکسید این بی دیانت انجمن ساز اعتشاش مالم مشروطه بنا را، پس از استماع جناب واعظ به این کلام آت مستبدین ماری و بری از تمدن و خالی از تدین را آرام نموده بطوریکه بمحمدافه مقصود هنگامه طلبان و محرکین آنجوان بمل نیامد چون چنین دیدند عصر همان روز در خانه میرزا احمد خان سررشته دار محل پیماره نایب الحکومه را که آله قرارش داده بجهت انجام مرام استبدادی خود وادار نموده و جناب آقای آقا میرزا فخرالدین را که خود را از جهت اجله علماء این بلد میدانند احضار داشته و ملا قوام را هم حاضر نموده که چون جناب واعظ از منبر فرود آیند پس از صورت دادن پاره از مقاصد خود ختم بصلح نموده باشند چون اظهار نمودند واعظ فرمودند که خواهش مند هستم از این مقوله صحیحی در میان نیابید، زیرا که اینحرکات شما اقیح از صدمات اومیباشد پس مقصود مان آنست که این بیجه تازه راه افتاده را همسنگ من پیره مرد بنمایند

فرضاً که مار چوبه کند تن به شکل مار

کو زهر بهر دشمن و کو مهره بهر دوست

و به نایب الحکومه فرمودند الحق چشم روشن شد معنی حکومت اینست که مصلح باشید، هرگاه طفلی بدامنی بول کند جز شستن چه علاجی است چون از این مطلب مأیوس شدند هیئت پلنیکه چنین اقتضا نمود که خانه جناب واعظ حضور با خانه آن جوان یک دیوار فاصله است و بامها به خانه آنها سرکوب و مشرف بخانه واعظ است، از پشت بام الی چهار پنج روز آنجوان اهل خانه اش را وادار نموده بهراهی خودش روزی متجاوز از یکبار سنگ و شاخ و استخوان و سایر کثافات دیگر بخانه جناب مشاورالیه ریخته بامتاکیها و فضاشیهای زیاد چنانچه بر هیچ یک از اهالی این محل پوشیده

سته و روز ششم جناب واعظ در اطاعت کجا عاذهی  
م آنها بوده نشسته و مشغول مطالعه بود  
اگر صدای دو تیر طایفه که ترقه اش صدا کند  
خود غالی نشده باشد برخواست . چون واعظ  
معروف آن جوانرا در آن حرکت دید خود را  
مستشار گریه و این مطلب را تا روز دیگر به  
احدی اظهار فرمود . حتی به اهل خانه خود . صبح  
روز دیگر مادر آن جوان بر حسب خویشاوندی  
از روی وحشت بخانه جناب واعظ آمده چنین  
بیان نموده که بر خود لازم دانسته آنچه را باید  
بعرض رسانم که چندبست بعض اشخاص که اهل  
این بلد هستند و در امورات دیوانی مداخله داشته  
و دارند بخانه ما میآیند و ما این جوان قوام نام  
بعضی مذاکرات میکنند و او را به چنین حرکتی  
و اداری نموده اند . شا در صدد حفظ خود باشید .  
لطیف تر آنکه پس از انتشار خود آن جوان هم  
اسکار نکرده و اهالی آن اطراف که جزو محلات  
علیا است اجماع نموده که جناب ایشانرا از آغاه  
مخل داده نزد خود به برد و ایشان به پاره ملاحظات  
حرکت فرمودند

### مشهد

هنوزم بیاد ادر است که از خوردی و ایام  
صباوت ، بدر نصیحت میفرمود و میگفت که ایجان پسر  
اندیشه نهای و پرهیز که موضوع هر امر را بسخن  
تنها باور تمامی و باقیا ما بلخ ماح آت نکردی  
فی المثل اگر گویند که فلان درخت بسی تناور و  
بلند بالا است نباید با نور تصدیق نمود و درصدد  
تحقیق آن نبود ، چه بسیار دیده و شنیده شده که  
موضوع آن امر مفقود بوده و آت شخص  
متمتع را بهلاکت و ضرر انداخته ، یا آنکه موافقت  
با مسموع نداشته ، گفتم این نصیحت را بحقیقت  
توضیح و این عنوان را بطوریکه عقل محدود من  
درک و تصرف نماید تشریح نماید ، تا آن را بذهن  
صافتر از آیه خویش سپرده و فراموش نسازم ، تا  
مگر بتوانم از این نصیحت منفعت برداشته و این  
جمله خدا پندانه بی ثمنع نماید . گفتم آن شنیدم  
که در ادوار ساله یکی از روستائیان با متاع  
خویش چنانکه روستائیانراست برای فروش بشهر  
اندر آمد و آنرا بازرگانی به قیمت گزاف فروخت و

از آن وجه بعضی افشه که در خور خویش بود  
بخرید و اندیشید که از ماکولات چیزها که ندیده  
و نخورده و در روستا پیدا نکردد خوب است  
که خریده و بخورم ، بدین خیال در بازار گردش  
مینمود تا گذارش بدکانیکه کباب درست مینمودند  
افتاد ، استشام بوی کباب اشتهای مفرطش را جناب  
نمود و طایل شد که از همین چیز خریده و خودرا  
سیر نماید ، دیناری چند داد و مقداری کباب ستاند  
و چندانکه میتواند و مزاور بود بخورد و سیر  
شد ، در همان روز بروستا برگشت و بخانه در نشست  
همکنان بدیدش آمده و از گذارشات و نهایشات  
این ستر مختصر علی العاده مستفسر شدند

روستائی را که هنوز لذت کباب در بن دندان  
بود معرفی این غذا را پیشنهاد نمود و سرود که در  
شهر غذائی است دراز و اندکی پهن که رنگ آن  
سرخ و بیزه سفیدی آمیخته است و بهترین اغذیه  
شهران است و در وقت خوردن آنرا بمیان دو نان  
گذارده و میافشند و چیزی از میان آن بیرون  
میاورند ( مقصود سیخ کباب است ) بعد او را  
مبخورند ، ولی به به چه خوردنی ، مستمعین را که  
این تعریفات ضبط حواس و جلب احساس مینمود  
و قواء شان یکسره داعی این غذا بود به آن شدند  
که هرچه زود تر از این غذا بستانند و بخورد ،  
یکی در آن میان که از همه بیشتر شینقه این غذای  
ممدوحه بود عزیمت شهر نمود و پیامد ، دو قرص  
ناب بخرید گذارش بدکه شامی بیوقتاد و دید  
چنانکه رفیقش غذا را نشاٹ داده بود در شمع  
موجود است ، یقین داشت که همین است با نور  
دیناری چند بداد و چند دانه از آن گرفت و  
همانطوریکه شنیده و دستور العمل گرفته بود در میان  
دو نان گذارده پینشرد و بخ را از میان آنها برگرفت  
و با آن دو نان بخورد و بطوریکه شنیده بود و  
انتظاری داشت محطوط شد

در نهایت یأس و حرمان بروستا برگشت ،  
شنیدم که میرفت و میگفت ( وسمع بالاعبیدی خیر  
من ان تراه ) هریکه همکنان بدیدش آمدند و  
از چگونگی سؤال نمودند ، گفت اینکاش باستماع این  
دعوت عالیه قناعت میورزیدم نمیدیدم و نمبخوردم  
رفیقانش همچنان منتهجب که یا نهجب تعریف عارف

نتیجه سهو سیاسی در حکومت

( قوام الملک بکرمان )

اوصاع کرمان و بلوکات قدری خراب است که از نوشتن اخبار خسته شده‌ام. قوام الملک حاکم معلوم است. لکن حضرت سردار اسعد بجه ملاحظات نمودنم با ایشان هرامی دارد این ذات شریف ابدأ دزدی را تقصیر نماید. در نزد این اوقات سردار جنگ باول خاک کرمان آمده قریب صد نفر دزد های همشهری ایالت را که بطرف خراسان رفته مال زیاد آورده بودند گرفته و راه نزد را امنیت داده است لکن در دو منزلی بم با وجودیکه قوام الملک در بم بوده چهار قافل را دزد زده کسی دنبال نکرده است که آنها را بگیرد. تمام رودبار و جیرفت را ضابط تاراج کرده ابدأ باز پرس نیست. انجمن ایالتی که خود حقیر یکی از آنها هستم هر چه گنت و تلگراف کرد جوان نشیند. ملاهای کرمان که بعلاوه از تفاق مهمل و بیکاره و مرعوب ملت عوام بی شعوراند چند نفر بی دین بکرمان آمده فاش توهمین بذهب ملت میکنند آقا میرزا اسمعیل مجتهد که سی سال است نماز و موعظه میکند از وقفیات و مراعات کناره دارد. بجه اینکه گفته است مشروطه باید موافق شرع باشد. بیانه نموده دست آورده پیدینان او را و برادرش را کت بسته پای برهنه با کلاه نمک از شهر تبعید کرده احدی حرف نزد. باز آیتین آقای نجفی و قه الاسلام همت کرده اعتراض کرده آنها را مرخص نمودند. یک بجه تقصیرات بر آنها نوشته که اگر بطهران رسیده بودند لا محاله یا حبس یا قتل میدیدند.

جعی الواط که در ایحمت دزدی و عرق خوری مشغول بودند مجاهد نام نهاده در مسجد توهمین بر نماز گذارندگان نموده تمسخر میکردند. این است حالت دیانت و عدالت و مشروطه ایران.

چون تریاک گران شد مردم اغلب ترك کردند دیدند دخل ندارد متقالی سه شاهی بجه دولت گرفته آزاد کردند. اول ماست را اداره کردند بکلی قحط شد. حالا نمک را اداره می کنند. اگر بقانون بود خوب بود. یکدفعه میریزند هر جا نمک می بینند میبرد ضبط می کنند بهر قیمت می خواهند می فروشند و از همه با خشن و کتک، دشمن نظمیبه هر شب میست طابع مشغول عربده، هر مخالف بی دین جزو مجاهدین طهران بیکار است باطراف می فرستند. اغلب پیدین می باشند و بر حسب نظامنامه بی دینان نباید دو هیچ اداره باشند

اول با تقریر آکل ثانی جرایم مبانیت دارد. باری آن مرد اولی در خیال می بود که دوباره فرصتی بدست آورد و از آت غذا بخورد. مرد دومی می دعا مینمود که چنین بلائی نصیب کس نکرد

امروزه که بنظر دقیق نگاه میکنیم می بینیم حکایت ما همان مصداق حکایت روستائی و کباب است یکی را از خوردنش روان تازه دیگر را رحمت بی اندازه است. در بدایت امر اشتراط سلطنت ایران میشدیم که مشروطه داعی تویه حقوق و تحدید حدود دست درازان بی کیش خواهد بود. در بوم و برزن سفره عدالت گسترده و خواب اخوت به پیر و برما چشند. میشود آوقت ارواح در قوالب تازه میشد. بلی درست است مشروطه مملکت داعی اخوت و مساوات و کایه محسنات است ولی افسوس که بواسطه اقدامات بعضی از مأمورین ادارات که خود کباب خورده و با شمع میدهند. قوب را باستغفای بیات حنه و مشروعه مجبور میسازند. فلان مأمور قشونی عوض ایسکه خدمات بیان باداره قشون خراسان جماید و درین موقع باریک ما را از داشتن چهار هزار قشون مستغنی داشته و از دعده بیرون آورد. تربت میرود و اهالی آنجا را بانواع عقوبات دچار ساخته و بعنوان مختلفه جریعه می نماید و از ترتیبات ظالمانه که ابدأ هیچیک آن در زمان استبداد هم جائز نبود فرو گذار نمی نماید. دیگری عوض اینکه اداره مقدسه آستانه را حرمت نموده و کارهای شرب الیهودی آن را اصلاح نماید القاء فساد میان ادارات میباشد. آن دیگر به ترتیبات سستی برای جلب منفعت خویش اقاء مخالفت میان عموم نموده و مردما گرفتار میسازد. آن دیگر که نامور عدلیه است چندین مرتبه بالاتر از طلبیه پوست مردما کنده و حقوق فروشی میباشد.

باری چکنم که قلم من یارای نوشتن و شما را یارای خواندن اجحافات بعضی از مشروطه طلب بیان نیست و الا میخواستم تشریحاتی در اعمال آنها نگاشته و برای درج در نامه مقدسه ایفاذ دارم معذرا وطنی و وطن دوستی خود میدانم که در پست های آتیه شر ذمه از خیانات سفینه ایشان نگاشته و عرضه دارم.

خلاصه ترجمه اخبارات خارجه

( راجع ایران )

بموجب خبریکه باده رسیده وزارت تجارت مشیرالدوله و وزارت پست و تلگراف با مستمدخان شد - برخی از شماره های شرق و ایران نو را دولت توقیف کرد حکومت فارس شهزاده ظفرالسلطنه وارد شیراز گردید -

استدرد می نویسد که وزارت خارجه عثمانی در جواب یاد داشت وزارت خارجه آلمان روی رضایت داده که با دولت آلمان دست بدست در معاملات ایران پیشرفت نمایند ،

اوضاع حالیه ایران سکوت عثمانی را اقتضا نمی نماید این تشبث آلمان را دو علت است اول آنکه دولتی روس و انگلیس بیچوجه نمیتوانند منکرشوند حقوق تجارتی و روابط پلتیکی عثمانی را در ایران ، ازین رو شرکت عثمانی با آلمان در امور ایران ، آلمان را همان موقع میدهد که روس و انگلیس دعوی می نمایند ، دوم جواب اتحاد دولتی روس و انگلیس در معاملات ایران بالاخصاله دارای قوت است ، ازین رو میتوان گفت اتحاد عثمانی و آلمان در همان موضوع دارای همان قوت خواهد گردید

دیگری میگوید که دولت آلمان بر یاد داشتی که بدولت ایران نموده اند ( عرض از یاد داشت پست و ششم ربیع الاول است که دولت ایران جز باستمزاج روس و انگلیس هیچگونه امتیازی بدولت نانی ندهد ) بوزارت خارجه لندن و پترزبرگ سخت پروتست نموده و علناً مدعی شده است که درکشیدن راه آهن و اخذ سایر امتیازات در ایران آلمان خود را دارای همان حق میدانند که روس و انگلیس میدانند ، ولی دولتی روس و انگلیس هرگز نمیتوانند این دعوی آلمان را تسلیم نمایند ، هنوز جواب به آلمان داده نشده است یکی از اخبارات آلمان مینویسد که دولت آلمان در ایران جز منافع تجارتی را خواستگار نمیشد ازین رو یاد داشتی را که دولتی روس و انگلیس بدولت ایران تقدیم نموده اند بقول برخی واقیان رموز این سخن ابدا مقرون بصواب نتواند بود چه عقیده آلمانیان این است که دولتی ابواب تجارت ایران را برطبق معاهده مابین خود روی کلیه دول و ملل باز گذارده اند امتیاز درکار کردن معادن تشکیل کیانی و بنک و تجارتخانه و صنعت خانه و تعمیر راه آهن و تراموه و شوسه و امثال آن تمام این منافع تجارتی محسوب است ، علاوه بر

این آلمانیها علانیه میگویند که منافع تجارتی و پلتیکی بام توام و غیرمنفک میباشد ، و تجارت بالاخصه مقدمه پلتیک است و هر دولت که خود را دارای حقوق تجارتی در مرکزی ثابت نمود حقوق پلتیکی را هم در بردارد ، و همین قسم است اگر دولتی سلب حقوق پلتیکی را در نقطه از خود نماید طبعا باید گفت حقوق تجارتی او هم ضایع گردیده است )

دیلی نیوز مینویسد - سرمایه داران آلمان باجهدی وافی سعی اند که بهر وسیله امکان پذیرد ابواب دادوستدرا در ایران بروی خود باز کنند ، معاهده دولتی روس و انگلیس از خودشان تجاوز ندارد نه ایران و نه دول دیگر پای بند معاهده آنها نتواندند - البته دولتی بر شروط عهدنامه خویش پای بندند ، عجب تر از همه این است که اولی شرط دولتی از روی عهد نامه احترام و حفظ استقلال ایران است ، قیام قشون روس از یکطرف آزادی ایران را تهدید می نماید ، یاد داشت جدید دولتی که علناً داعی بر نحو استقلال ایران تصور میگردد ، هرگاه دولتی مصر بمسلك کنونی خود در ایران نشوند باید تسلیم نمود که دولتی پای بند بیک معاهده سری هستند ، که تاکنون مواد آن بر احدی کشف نگردیده است

طمس مینویسد که سیر آلمان اظهار داشته که دولت متبوعه او را اراده نیست که در معاملات ایران انقلاب نازه را پیش آورد ، فقط غرض آلمان این است که خیالات دولتی روس و انگلیس را در مسئله راه آهن ایران معلوم نماید و نیز اخبار مذکور بر حسب اطلاعی که یافته مینویسد جوابیکه ازوزارت خارجه لندن و پترزبرگ به استنساخ آلمان داده شده قوت داده است همان نکته را که یاد داشت ایران تقدیم نمودند ( یعنی حقوق استقلال و آزادی ایران را باسم تسلیم دارند نه رسم )

استدرد بر حسب تلگرافیکه به پترزبرگ رسیده مینویسد که دولت جدید به بنگ ایران فرمایش خریداری بجه مرار تنگ از آخرین مختلطت و پست کرور نشنگ داده است ( حبس المذن ) این خبر تا کجا مقرون بصواب است و غرض از بنگ ایران کدام یک از بنگهای خارجه و این تنگ و تنگ از کدام کارخانه و بجه شرط میباشد ازین تلگراف معلوم نمی شود )

تلگرافات

( ۱۷ ج ۱ - ۲۷ می )

دولت (ایتالیا) در مسئله (کریت) با (سرادورد)

گری) و (مسیویشون) متفق الرای است  
 فی صورت جمع و خرج کبابی آبنای (سویز) اشاعه  
 یافت ، در این سال آبنای مذکور انتفاع فوق العاده  
 بشرکاء داده عایدات آن قرب پنج میلیون لیرا بوده که  
 بیشترش از تجارت هند و منچوریا میباشد

§ بموجب خبر اسلامبول رئیس الوزرا مجلس ملی  
 را ایتقان داده که دول محافظ حفظ حقوق دولت  
 عثمانی را در (کریت) دمه گرفته اند بنا بر آن مجلس  
 اعتماد خود را ظاهر نمود

§ مخبر (روتر) از (توکبو) خبر میدهد که (جنرل  
 تاروشی) وزیر جنگ بسمه (ریزیدنت جنرلی بجای  
 و (یکاونت شون کوریا مستقر گردید ، اهالی لندن  
 را عقیده ایست که در حکومت مسلك حكومت  
 به سختی تغییر خواهد پذیرفت و بالاخره بزایون ملحق  
 خواهد گردید

§ اعلیحضرت جارج پنجم منظور نموده اند که از  
 ۲۰ جون الی ۶ جولائی جنگ مصنوعی قشون بشود  
 ( ۱۹ ج ۱ - ۲۹ می )

§ از ( اسلامبول ) خبر رسیده که رئیس الوزرا  
 ضمن نطق خود در مجلس ملی اظهار داشت که  
 اگر دولت (یونان) در مسئله (کریت) یا از جاده  
 حقوق خود بیرون گذارد ساجار دولت عثمانی  
 اعلان جنگ خواهد داد

( ۲۰ ج ۱ - ۲۰ می )

§ (امپراطور آستریا) جبهه ملاحظه (بوسینیا و هرزی  
 گووینا) (دوصوفه جدیدی صکه از بالکان ملحق  
 بحاکم خود نموده) خواهند رفت ، ملل مختلفه  
 رای پذیرائی شایسته ندارند دیده ، روزنامه جم  
 رسمی (فرایم دنلات) می نویسد که دولت آستریا  
 رای امنیت (بالکان) سعی و جاهد است

§ مخبر (روتر) از (عدن) خبر میدهد که اهالی  
 (اویاومرکان) با فوج کمکی دولت (ایتالیا) برخلاف  
 (الای سوسلی) هضت نمودند

( ۲۱ ج ۱ - ۲۱ می )

§ در یازده نواح (البانیا) قانون عری (مارشل لا)  
 جاری داشته اند

§ امپراطور آستریا دیروز در (سارا جیبو) وارد  
 سرت قیامگاه امپراطوری را زیب و زیبت فوق  
 العاده داده و شوارع را آئین بندی کرده بودند ،  
 با کمال تجمل و احتشام پذیرائی شدند

§ در جواب خطابه خیرمقدم اداره بلدییه ، امپراطور  
 آستریا اظهار داشت که این استقبال و پذیرائی مدلل  
 است بر اینکه فرمانبرداری در این شهر بوجه آکل  
 قائم است

§ پادشاه و ملکه (هلنیک) با اعلیحضرت امپراطور

آلمان در (پوتسدام) ملاقات کرده اند  
 § (پوتسدا) امروز در اصول سلطنت متحده  
 اعلان یافت ، (لارڈ ولیدی کلاستون) بیادیت در  
 کلیسا همراهی نموده سپس وارد مجلس ملی گردیدند  
 حکنامه مأموریت مشارالیه بزبان انگلیسی و  
 (هولانندی) فرانت و بحضور وزراء مراسم حلف  
 اجرا گردید

( ۲۲ ج ۱ - اول جون )

§ در سانس قشون (برلن) بجای امپراطور  
 ولیعهد شرکت خواهند نمود

§ بموجب تلگراف (اتن) حکومت (کریت) به  
 دول محافظ نوشته که (کریت) را عاجلاً ملحق به  
 (یونان) سازند چه اهالی جز حکومت یونان به حکومت  
 دیگری گردن نمی نهند

§ بموجب تلگراف (ویانه) وزیر مالیه اعلان  
 نموده که ( ۲۷۵۰۰۰۰۰ ) لیرا بودجه نظامی و  
 ( ۱۲۰۰۰۰۰۰۰ ) لیرا باخراجات بحری مزید شود  
 § بموجب شرایط قرضه دولت فرانسه عایدات  
 کرکی مراکورا در صدی نود تصرف نموده بقیه را  
 به مأمورین سلطان می پردازند

§ بزم مسافرت در قطب جنوب (کپتان اسکات)  
 بر جہاز (تیرالووا) بمعیت افسران دیگر و هسپار  
 گردید کپتان مزبور در (کیپ تاون) بر جہاز  
 خواهد نشست

( ۲۳ ج ۱ - ۲ جون )

§ در سیاحت (بوسینیا و هرزیگووینا) امپراطور  
 آستریا فرانت کرده اهالی با کمال شکوه پذیرائی شان  
 نمودند

§ اعلیحضرت جارج پنجم پادشاه انگلستان به عهده  
 امیر البحری و قیلد مارشلی انتخاب شد

( ۲۴ ج ۱ - ۳ جون )

§ صد نفر از وکلای فرانس و (۵۰) نفر اعضای  
 شورای قانون سازی و (۱۲۸) وکلای (ایتالیا) به  
 مجلس (دوما) می روس عرضداشتی نمودند که تغییر  
 در وضع حکومت (فینلند) داده نشود

§ مخبر (روتر) از (پکن) خبر میدهد که جمیع  
 سفارت خانه ها مراسلاتی یافته که گویا باغیاب  
 فرستاده اند - در آت نوشته صکه به خطابه  
 خاندان سلطنت زودی شورش عظیم خواهد شد و  
 در صورتیکه سفراء دول طرفداری از خانواده سلطنت  
 نمایند رعایای خارجه را زیانی نخواهد رسید

فونسل (نکتنگ) نیز چنین خطی یافته است

§ قشون عثمانی بدون جلوگیری در (دایاکووا)  
 وارد و شروع به اخذ اسلحه نموده (مسیویشون)  
 (جه) را گرفتار کرده اند

جمادی الثانی (۱۳۲۸) - سال هفدهم - ۱۳ جون (۱۹۱۰) صفحه (۱)

شماره

تیمبر

HABUL  
I. MEDICAL  
'A

اره با

سلام است

طبع

بع میشود

...نبه

جمادی الثانی ۱۳۲۸ هجری

مصادف با

۱۳ جون ۱۹۱۰ میلادی

و کلا حق الخد ابره بدون قبض ندارند و تا وقت که  
(مشارکتین را قبض مخصوص سال هفدهم دست نیاند)  
(نعمه شان بره قضاوته میشود)

(قیمت اشتراک)

(سالانه - شش ماهه)

(هند و برمه)

(۱۲ روپیه - ۷ روپیه)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران - ۲۰ قران)

(عثمانی و مصر)

(۳ مجیدی - ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

۳۰ فرانک - ۱۶ فرانک

(روس و ترکستان)

(۱۰ منات - ۶ منات)

سنه ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

(معروف اداره درج نمیشود)

# المنتخب

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود  
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آراست)

خلاصه ترجمه اخبارات خارجه

(راجع ایران)

روزنامجات آلمان مینویسند دولت آلمان از بابالی خواسته که در مسئله ایران متحداً با آلمان پیشرفت نمایند و دولت عثمانی نیز دست بدست آلمان داده در مسائل راجعه بایران توام (مانند روس و انگلیس) اقدام میکنند گویا و درین موضوع خاص سرآ معاهده هم بین آلمان و عثمانی شده و عنقریب ظاهر خواهد گردید این است که بابالی تلگرافاً بناوت کبرای خود در طهران دستور العمل داده است که تائید نماید مقاصد آلمان را در دربار ایران.

اخبارات انگلیسی مینویسند که چون عثمانی در مسائل جزیره نمای کریت و البانیا دو چار مشکلات میباشد ناچار در تسلیم بخواهش آلمان خاصه در مسائل ابراهیم است و نیز مینویسند که من باب راه آهن بغداد و الحاقش بایران بین عثمانی و آلمان اخبارات جدیدی و تجدید نظر در کنترات راه آهن

روزنامه روسیه پس از بحث در موضوع اتحاد عثمانی و آلمان در محادثات ایران مینویسند که عثمانی از جهت راه آهن بغداد و الحاقش بایران با انگلیس و روس

دولت عثمانی را تهدید می نمایند که درین معاهده و اتحاد با آلمان و بخش روس و انگلیس را برای خود جلب نموده و در چنین موقع که مشکلات بسیار برای عثمانی در پیش است مناسب نبود که بخش دولتمن روس و انگلیس را برای خود جاب گردد ولی عاقبت تصدیق می نمایند که صرفه اقتصادی و سیاسی عثمانی در همین اتحاد است، چه اگر آلمان در مسئله کریت طرفدار عثمانی نبود تا بحال دول محافظ کریت را شامل بیونان نموده بودند جراند انگلیسی مینویسند که اعلیحضرت امپراطور آلمان که برای تشییع جنازه اعلیحضرت ادورد هتم بلند آمدند شایسته نبود که مسائل پلنکی را موضوع بحث قرار دهند، اعلیحضرت باؤزیر خارجه فرانس در دو مجلس با کمال محبت پیش آمده و در مسائل پلنکی بامنتهای اطمینان بحث نموده اند و نیز با سرافوردگری وزیر خارجه انگلستان، موضوع این مباحثات همانا مسائل راجعه بایران و مراکو بوده و بعضی قاضیات این دو مسئله نیز حل شده است.

یکی از جراند انگلیسی مینویسد آلمان همان نقشه را که در مراکو اختیار نموده بود اینک در ایران اتخاذ کرده و از مسلك وی چنان مستفاد

پیش آید ولی آلمان باید بداند که هیچگونه موقع پیش قدمی برای آن در ایران باقی نمانده است و وزارت خانهای خارجه لندن و پترسبرگ هرگز موقع پیش قدمی بوی نخواهند داد.

یکی از جرائد آلمان مینویسد که رقبای آلمان سعی اند که در بازارگاه های تجارتي دنیا هر کجا که آلمان عرض اندام نماید او را سرکوبی نموده از آنجا برانندش چنانچه در مراکو انگلیس و فرانس و در ایران روس و انگلیس در چین و منچوریا ژاپون و روس برخلاف آلمان اتحاد نموده اند مسلک امروزه که روس و انگلیس در مقابل آلمان در ایران اختیار کرده در سایر نقاط تجارتي هم مدنظر گرفته اند. ولی رقبای ما بدانند اگر آلمان بنا شود با اتحاد و دسایس دیگران از حقوق تجارتي خود صرف نظر نماید هیچ لازم نیست که چهارمیلیون لشکر حرار زیر سلاح داشته باشد، رقبای ما بدانند که در ممالک مستقل آزادمانند ایران که ابواب تجارتشان قانوناً و طبیعتاً و معاهده بروی جمیع ملل باز است حتی ندارند که آلمان را از حقوق تجارتي محروم دارند البته آلمان را در امتیازاتی که دول دیگر در ایران تا امروز حاصل نموده اند نیست ولی در حصول این امتیازات و حقوق تجارتي و سیاسی روس و انگلیس را با سایر دول و ملل فرق و تفاوت میداد و باید بداند که امنیت اروپا بسته رضایت دولتی محقوق نایبته خود در ایران است.

مارشک بست مینویسد وفق دوتین روس و انگلیس در باره ایران معاهده نموده هیچ دولتی اعتراض نه نمود بلکه آلمان بطریق رسمی تسلیم کرد برنس بولو وزیر خارجه آلمان دو چند موقع اظهار داشت که مسلک ما در ایران همان بی طرفی است حالا یکدفعه آلمان میخواهد دوش بدوش روس و انگلیس در ایران راه رود بلکه چند قدم هم پیش او فتد آلمان فشاری را که بر روس در مسئله ایران میدهد محض مائل ساختن او با اتحاد خویش است ولی با اتحاد انگلیس و روس از اتحاد با آلمان مستثنی است

سید روت وکیل دچ بنگ آلمان همین چندروزه وارد برلن خواهد گردید و معلولت خویش را نشان دهد خواهد نمود بعد نیست که از

ورود مشارالیه به برلن یکدفعه مسلک آلمان در ایران تغییر پذیرد

دیگری از جرائد آلمان مینویسد اقدامات آلمان در ایران تا زکی ندارد آلمان قبل از فوت مظفرالدین شاه بچند سال امتیاز تشکيل بنک حاصل نموده اینک در صدد دائر نمودن اوست، و نیز افتتاح مدرسه آلمانی در طهران دال است بر مقاصد بلند آلمان در وسط آسیا، از جمله این مراتب هم اگر صرف نظر شود راه آهن بغداد براسیسه قطعات آلمان بایران کافی است

میکوبند که کبابی راه آهن بغداد آدم مخصوص فرستاده سعی است که تحقیق نماید که در کشیدن شعبه ازین راه تا طهران بکدام طریق مناسب تر است

یکی از جراید آلمان مینویسد که بهر وسيله و ذریعه باشد ولو به پیش آمدن جنگ دولت آلمان سعی است که برای مخرج مال تجارت خود شعبه راه آهن از حاقین الی طهران را بکشد و امتیازش را حاصل کند سومی از اخبارات آلمان روس و انگلیس را متنبه نموده مینویسد که آلمان در ایران خود را دارای حقوق تجارتي می بیند دارد و این حقوق مشروع او را دولتی هم انکار نتواند داشت دوی این است که ایران بر حسب استقلال همیشه خود را معاهده دولتی آزاد و مستقل است و بنا بر آزادی و استقلالی که ایران دارد میتواند هر گونه امتیاز تجارتي بهر دولتی بدهد، بازارگاه ایران باید بروی جمیع ملل و دول بدون هیچگونه عایق و مانعی برای تجارت باز باشد تا درین دعوی آلمان شاخص نیست بلکه جمیع ملل بزرگ و کوچک دنیا مؤید این خواست آلمان میباشند، ملت ابراهم طبعاً چون استقلالشان در سایه آزادی تجارت دول و ملل است حای آلمانیها مقتدر و درین صورت مخالفت دولتی روس و انگلیس درین موضوع تا چه پایه پیشرفت خواهد کرد

بموجب اخباراتی که از مراکز موثقه رسیده دولتی روس و انگلیس در جواب استفسار آلمان رسماً تسلیم کرده اند آزادی تجارت ایران را بروی تمام دول و ملل، آلمان سعی است که قرار داد رسمی درین موضوع حاصل نموده برخی حقوقی خلیه را در حق وی تصدیق نمایند گویا پس از این آلمان حقوقی بنگ آلمان همین چندروزه وارد برلن خواهد گردید و معلولت خویش را نشان دهد خواهد نمود بعد نیست که از

و جنوب و شمال تصدیق خواهد نمود یکی از جرائد انگلیسی مینویسد آلمان که قطب بدعوی آزادی تجارت در ایران قناعت کرده علتش این است که قبل از وقت انجمنه فیصل یافته که کشیدن راه آهن تشکیل بنک و کپانی کار کردن در معادن و قرض کردن و دادن وامثال آن تمام جزء تجارت بین المللی تسلیم شده است هرگاه دولت مستقل قبول شده و آزادی تجارت در آن مملکت مسلم باشد هر دولت هرگونه امتیازات تجارتي را که بتواند حاصل نمود کسی عایق و مانعش نتواند گردید. آلمانیها میگویند که حقوق بلتیکی و تجارتي لازم و ملزوم يك ديگر اند و قطب در موضوع فرق پیدا تواند نمود چه با امتیازات است که برای يك دولت تجارتي و برای دولت ديگر بلتیکی می شود. تا امروز مشهور بود که بیرق بلتیکی اروپا در عقب حقوق تجارتيشان می نماید ولی آلمان در مسئله ایران بیرق بلتیکی را مقدم بر حقوق تجارتي نصب کرده است

در کالونس گنزت بطریق نیم رسمی تصریح شده است که بنک آلمان پول بایران نداده و در کشیدن راه آهن هم امتیازی حاصل نکرده اعصار کشتی رانی نیز در دوپایچه ارومیه نیافته است دیگری مینویسد ظاهراً است که پیروده سخن باین دوازی نشود اینک که دولتی روس و انگلیس برخی حقوق در حق آلمان تسلیم کردند یعنی معاملات ایران بین دول تلاثة تصفیه یافت محض اینکه گفته نشود که دولتی مجبور به تسلیم حقوق من در آوردی آلمان گردیدند این اشاعات داده می شود مثل آنکه بعد از تهدید به روس در مسئله جزیره نای بالکان بطریق نیم رسمی در همین اخبار تردید شد که آلمان بروس تهدید نه کرده بلکه دوستانه خواهش نموده بود اینگونه اعلانات در حقیقت عذر بدتر از گناه یا آفتاب را بکل اندودن است

حالا حرف در این است که فیصله بین دول تلاثة چه گونه شده فعلاً معلوم نیست ولی چیزی که میتوان برسیل اجمال تصدیق نمود تسلیم برخی حقوق ما فوق التجاره در حق آلمان است و با اینکه ما نمیتوانیم از موضوع فیصله امر چیزی بنویسیم ولی

حالی و استقلال او را بشارت میدهد و فشار همایگان را مرتفع میدارد و ایران را در حصول وجه مرکبا حکه بار بدهند مختار گرداند مسلک دولتی هم در حق ایران تغییر نمود و قشون بیگانه نیز بزودی ترك ایران را خواهد گفت

ولی باید دانست که در شطرنج بازان سیاست آنوقت بازی قائم ماند که طرفین هموزن باشند و چون ایرانیان در میزان سیاست همسنگی با همایگان ندارند باید گفت که هر قدر از وقایع خارجی درباره ایران کاسته شود برای جلب منافع خویش در اعتناشات داخلی خواهند افزود

جرائد فرنگ در مناقشات بین کابینه و مجلس و انقلابیون و اعتدالیون سخن را بدوازا کشیده اشاعات میدهند که ما از نشر آنها چون کذب محض میدانیم اما و امتناع میوروزیم متأسفانه وقایع نگاران طهران هم اوضاع کنونی را خوش عاقبت نمی نگارند عدم آفاق وزرا چرخهای کابینه را از کار انداخته تبدیل وزارت پست و تلگراف بقوه انقلابیون و تبدیل وزیر عدلیه بوزارت تجارت قوت اعتدالیون را افزود حال آنکه در جنس ایرانی موزونتر از مشیر الدوله برای وزارت عدلیه سراغ نداریم این تشبیهات کابینه کارها را معطل داشتن است وزرای ما باندانستن وزارتخانه و مستشار های بانجربه و علم خارجی و باوجود بی علمی و خودسری ایرانی گری این وضع امروزی مباحثه آنها را فرصت برسدگی در کار ما نمیدهد با این اوضاع چگونه پیش رفت امور امیدوار توان بود این است که بسیاری از جرائد خارجه اوضاع کنونی ما را بهتر از سال گذشته همین اوقات نمیدانند بلکه بدتر می خوانند و دلیلشان اینست که سال گذشته درین موقع امیدواریهای عظیم بسر دارین بود که تجربه یکساله و عملیات این مدت این امید قوی را از قلوب زدوده است سال گذشته درین وقت قاطبه ملت بکمال و یک جهت بود و اختلافی در قانین مشروطیت دیده نمی شد بد بخانه امروز ضد آن ملاحظه می شود

واقعه ناگوار توقیف روز نامه شرق و ایران نو که چشم و چراغ معارف ایرانیه و خدمتگاران

عمومی گردیده که نهایت ندارد، ما هنوز از حقیقت امر واقف نیستیم و علت این حادثه غیر مترقبه را نمیدانیم و نمره ۲۱۳ و ۲۱۴ تاریخ ۱۵ و ۱۶ ج ۱ ایران نو و نمره ۱۴۸۵ ج ۱ شرق را که سبب این توقیف بیان شده ندیده ایم سکه بتوانیم رای خود را قائم نماییم، ولی همین قدر میگوایم دولت جدید که هنوز از سنگ توقیف یومیه جبل‌المتین و شتاتهای حریت خواهان عالم در ظلم و ستم صریح در حق بزرگ ترین خدام حقیقی وطن آقا میرزا سید حسن نوشته اند ابدأ زیبا نبود که در توقیف شرق و ایران و تجدید مطلع نمایند، چیزیکه خیلی خاطر ما را مکدر داشته این است که جراند خارج نسبت توقیف این دو روزنامه معتبره ایران که محل توجه عام و خاص و خودی و بیگانه و خارجه و داخله بلکه باید اساس معارف ایرانیان گشت بیستم و چراغ مشروطیت یعنی حضرت اشرف سیدار اعظم میدهند و ما هرگز قبول نتوانیم نمود و راضی نتوانیم شد که چنین بدنامی بزرگ روی محبوب ترین قانین مشروطیت حضرت اشرف سیدار اعظم وارد آید، لذا با کمال توقیر عرض می نمایم که حضرت اشرف سیدار اعظم راست که جبران فرمایند این عمل را که لکه بر یکنامی شان وارد نیاید حضرت اشرف سیدار اعظم البته داشته اند که رکن رکن مشروطیت و بزرگترین منادی آزادی ملت هما جرائداند، اخبارات در ممالک متدنه خیلی محترم اند توقیف جرائد که موثر خسارات عظیمه بادارات است سکتة بزرگی معارف مملکت وارد می آورد، امروز آثار معارف و راه اطلاع از اوضاع ایران در حقیقت مابین دو روزنامه است توقیف این دو روزنامه ملی گویا ماب معارف را بند کردن و ابواب اطلاع را روی ملت بستن است

نداده استعمال قانون توقیف در حق جرائد نباشد بر ریشه معارف زدند است، چرا که هنوز معارف در مملکت ما نفع نگرفته و ازین رو مردمان صاحب ثروت کمتر درین کار آمده و امروز تمام مطابع و جرائد ما نقصان دارند و بمجرد توقیف يك جریده گویا هستی او را بر باد داده اند، چه ملت ایرانیه مانند ملل ساژده عادی به همراه معارف نشده مثلاً فلان جریده که يك سال با هزاران زحمت و خون جگر اخبار اشاعه داده مطالبات پیدا کرده است بمجرد توقیف تمام مطالباتش بقسمی از میان میرود که ولو توقیفش موقتی باشد دو باره که اشاعت یافت باید برگزیده صلوات فرستاده از نو حساب بگذارد ازین رو توقیف موقتی برای جرائد ایران اعدام دائمی او تصور باید کرد هرگاه ملت ایران را حق معارف پروری بوده درین گونه واقعات ارباب جرائد از همراهیای ملت بعضی نقصان مع می روند

امیدواریم که اگر این اشاعات مقرون بصحت باشد فوری حضرت اشرف سیدار اعظم جبران فرموده نام درخشنده خویش را که در نه پسندند ما شرح واقعات را پس از معلومات کافی و رسیدن بپت طهران خواهیم نگاشت اگر چه تلگراف مخصوص ما کاتب از رفع توقیف است ولی هنوز مطمئن نیستیم

حکومت ایران ما جدی وافی در صدد امنیت نامه در بلدان و شوارع است، ایالت فارس با يك اردوی جسیمی بشیراز وارد و محض حفظ امنیت میگوید در تمام قلمرو فارس حکومت صرفی (مارشل لا) جاری خواهد نمود

صوت النبوة فتقانی مجدداً امنیت طروراً بهیبه گرفته است و گویا حکومت دشتی و دشتستان هم جزء مشاغل ایشان گردد اتحاد رؤسای جنوب در طهران ولوله انداخته عجب این است با اینکه این اتحاد صاحبان برخلاف سردار اسعد بوده ولی میگویند که حصة همدۀ بختباری هم در این اتحاد شامل شده، این اتحاد رؤسای ممالک متوسطه ایران که خارج از منطقه بود و در انگلیس

قانون اساسی ایران حریت قلم را حوی، قانون معارف که بزرگترین سلاسل به پای ابواب قلم میباشد هم جاری، سکه در دوره اول طرفداران استبداد برای شکستن قلم آزادی ایران نوشتند نیز اجازه توقیف جرائد جز در مقامات مخصوص جایز قرار

پار سفیر کبیر با مشیرالملک و زیر ایران بر حسب  
عده که قبل از وقت داده بودند وزارت خارجه  
وقت دیدن از وزیر امور خارجه نمودند، روز یکشنبه  
صبح وزارت فوق العاده با همان تشریفات که ورود  
نمودند، پاریس مراجعت کردند.

\*\*\*

از فرار خطوطی که اداره رسیده تمام امالی  
بلاد و قصبات ایران در ماتم داری اعلیحضرت  
ادورد محتم کمال همدردی را نموده که شرح یگان  
یگان آنها مورث اطناپ و تطویل است، همین قسم  
ایرانیهای خارجه در هر نقطه اظهار تأسف و ملالت  
کرده اند چنانچه در اسلامبول ایرانیان اجتماع نموده  
تلگراف ذیل را محار کرده اند.

تلگراف از اسلامبول بلندن

جناب جلالتاب کاتب مخصوص اعلیحضرت  
امپراطوری برای تقدیم حاکمایی اعلیحضرت هاپونی  
قائمه ایرانیان اسلامبول با جمیع محبین تمدن  
و انصاف و صلح بمصیبت عطای خانواده با عظمت  
آب اعلیحضرت و ملت محبیه انگلیس که دوست  
اقدم ملت ایران است ما کمال خشوع مشارکت  
میباشد - در سر قبر با جلالت که در زیر عنایت  
خداوندی پوشیده میشود از آن اعلیحضرت استعدا  
مینمایند که دوره سلطنت با سعادت خود را به یک  
صیغه اسابت که شعار نیاکان عظیم الشان آب  
اعلیحضرت است افتتاح فرموده با اقدامات پادشاهانه  
و فصیح دوستانه مواج خارجی را که عایق جنبش  
توق و حریت ملت ایران است برطرف فرمایند  
از طرف عموم ایرانیان  
( انجمن تجارت ایرانیان )

دهم ج ۱ سنه ۱۳۲۲

\*\*\*

ایرانیان هندوستان هم در ادای مراسم ماتمداری  
اعلیحضرت ادورد محتم گوی مسابقت را از سایر  
اعالی هند ربودند، اولاً در شهرهای بزرگ از قبیل  
رنگون بمبئی و کلکته و پایای ایران بنویسه نمایندگان  
خود اظهار تأسف کردند، و بالاجماع نیز از مسلمان  
و قادی و ارمی در قونسلخانه ایران نزد نواب  
نصیر الممالک مقام جنرال قونسلگری کل هندوستان  
و غیره اظهار همدردی نموده تلگرافات مفصله

وزارت خارجه لندن و فرما فرمای هند زدند.  
نقطهای متأسفانه هر زبان داده شد، و علاوه برین  
نیز انجمن مظفریه هم اظهارات تأسف آمیز و  
تقدیم مراکز لازمه نمود، انجمن وطن خواهان  
بمبئی ایرانیان نیز کمال همدردی را اظهار داشته  
جناب مستطاب شریعتمدار آقا شیخ ابوالقاسم رئیس  
روحانی شیعیان بمبئی و صدر محترم انجمن موصوفه  
خطابه ذیل را قرائت کردند

خلق صدر انجمن وطن خواهان

( ایرانیان بمبئی )

پروردگار عالم جلالت عظمته از برای انتظام  
امور معاش و معاد خلائق دو صنف از ایشان را  
برگزید، و بر سایر افراد حریت و برتری داد منقده  
پیشبران که هادی و رهبر بسوی معاند صنف دوم  
سلاطین و پادشاهان که ناظم و ناظر امور معاشیه  
و حافظ تعدیات اقویا نسبت بعضا میباشد، و هر  
یک از سلاطین نامدار که در مقام عدالتخواهی و  
انصاف حافظ شرف و مراتب رعایا از تعدیات قوی  
نسبت به ضعیف بوده اند پیوسته نام نیکش  
بصفحه روزگار یادگار و در متون تواریخ و اخبار  
در انتشار است، و تا اقراض عالم نامشان به بزرگی  
و عظمت یاد، روح او را بادیه خیره شاد  
می نمایند، چنانچه تواریخ عالم جمله از سلاطین  
عزیزتمکین قیاسره و اکاسره را به نیک نامی یاد  
می کنند، و از جمله سلاطینی که در عصر ماها یگ  
رعایای خود کمال رافت و لطف و مرحمت و عدالت  
و انصاف را مبذول داشته اعلیحضرت ادورد محتم  
است که الحق در مدت سلطنت آن اعلیحضرت  
رعایا با کمال آسایش و رفاهیت زیست می کردند  
و پیوسته بدعای خیر او را یاد می نمودند

از این است که در این موقع که بوم تدقیق  
جسد محترم آن اعلیحضرت است انجمن وطنخواهان  
ایران مجلس تهنیتی منقده و اظهار تأسف از فقدان  
چنین پادشاه رؤف عادل منصف محترمی مینمایند و  
از خداوند تبارک و تعالی مثلث دارند که روح  
آن اعلیحضرت را شاد فرماید و خلف باشرف آت  
اعلیحضرت جارج بنجم که اینک بجای پدر بزرگوار  
خود بر سر بر سلطنت دولت برطانیه منکی است  
بجای خود دلود و امید قوی است که اعلیحضرت

نیز مانند بدر بزرگوار شیوه مرضیه عدل و انصاف را پیشنهاد خود فرمایند و رجاء واثق از حضرتش چنان است که هموم ایرانیان مقیم هند خاصه انجمن وطنخواهان مقیم بمبئی را بیدل توجه مخصوص منتظر سازند

### بدر عباس

شهران در توابع کم و زیاد سرقت جاری دریا یکی عزم لنگه و بوشهر دارد و ۲۲ جلدی الاول حرکت خواهد کرد نائب الحکومگی عباسی ه مصباح دیوان تفویض شد هر چند اهالی رضایت نداشتند اما استمالت نموده رضایت ظاهری بعمل آمد امید است مصباح دیوان بخلاف سابق با اهالی قسمی رفتار نماید که موجب رضایت گردد .

مشعل یهودی وارد در قرقه قتل شاول یهودی بتوسط قوسل انگلیس با حکومت مذاکره و ابراداة دارد تا چه پیش آید .

معدن کلک هرگز هنوز در تصرف اداره کرک است و تا کنون ( ۲۴۰۰ ) تن کلک در دو جهاز حمل نموده اند از عباسی باسم انگلیسی در قرقه معادن با وزارت داخله مخاره شده بود باسم ایرانی توضیح خواسته اند از اعیان اهالی توضیح داده شده اتصال معادن از بعد عرض خواهد شد .

### لار و توابع

بموجب خطوط وارده حاجی رستم خان جراحی ه همراهی حاجی علام حسین خان و رادی قریه فتور که از مومه لار میباشد عارت نموده محمد جعفر خان پسر حاجی رستم خان شیر با ایشان معیت دارند و خطوط نهید آمیز بهر جا نوشته دعوت بسوی خودشان نموده اند سکه حکومت لارستان حق اولاد فتح علی خان می باشد . و باید اطاعت نمایند از جمله خلی به ( اوز ) نوشته که یا اطاعت و تمسکین نمایند و کلانتر با چند نفر تبار بیابند تا قراری داده شود و یا ( اوز ) را هم غارت خواهیم نمود . اهالی و کلانتر متقاً جواب نوشته اند که ما دامیکه از جانب دولت حاکم وارد لار نشود اطاعت از هیچکس نداریم و در حفظ خانه و ناموس خود حاضریم اگر میل آمدن دارند خوش باشد - و از اوز اطلاع بسایر جاها داده متقاً جواب گفته اند و فیاین خودشان قرار شده که محض طرف شدن حرکت و جلو گیری از آنها

بایند اهالی لار نیز عنفی جبهه حفظ خود شکار محمد حسین خان بهارلو را وارد نموده اند و تمام اهالی لار و توابع در نخواستن خوالین سابق و حاجی علی قلی خان متفق می باشند و استقامت حکومت جبهه لار از ایالت فارس نموده اند . ملاحظه فرمایند شرارت بی القوام بجه اندازه می باشد که در بدر ورود ایالت فارس اینگونه مصدر شرارت شده اند

### قابل ملاحظه مجلس شورای ملی و

( وزارت امور خارجه )

بنادر بلوچستان بمناسبت سرحدی مملکت و جواری هندوستان اهمیت تامه دارد کار گذاری بنادر خلیج فارس بنادر بلوچستان را جمع کار گذاری خود میداند کار گزار کرمان نیز جزو اداره خود میداند ولی متناً قناه ملاحظه میشود که از هیچکدام ماموری در آن حدود نیست . حال آنکه الزم از سایر نقاط میباشد .

علی هذا متذکر می کردیم چون وزارت امور خارجه باید بودجه مخارج خود را پیش نهاد مجلس شورا نماید لازم است ملاحظه معارف دو کار گذاری یکی در بندر ( چاه بهار ) و دیگری در بندر ( جاشک ) نموده و مخارج آرا سنجیده جزو بودجه نماید و وکلاء محترم نیز به پذیرد و کار گذاری این دو بندر مهم را جزو کار گذاری خلیج فارس قرار داده بشرط آنکه دو نفر مامور مکنی عالم قانون حقوق بین المللی را با اجزاء لازمه روانه نموده در این دو بندر مهم اداره کار گذاری دایر و با نزاکت بین المللی بر حسب قانون معاضت از تجاوزات نموده نگذارند که یومیه از نفوذ و رسوخ دولت علیه در این حدود کاسته شود . حفظ حدود و ثغور ارض واجب از جمیع امور مملکت داری است که دروازه خانه را محکم نگاه داشته نگذارند اجنبی داخل شود و الا پس از داخل شدن خارج نمودن مشکل است چنانچه در شمال ملاحظه میکنیم که مسلمانان غیر عربی ناخواسته مان هر قسم اقدام در خارج شدن شان می نمایم بحال خود باقی و خیال رفتن ندارند امیدواریم اولیای امور توجه تامه بسوی سرحدات جنوبی مملکت نموده باشند و اسباب محافظت و امنیت فراهم آورند که رفح بیستاه شده باشد .

یک نقشه سیاسی عظیمی را ظاهر مبداء و این اتحاد اگر رست پیدا نکند در منطقه روس و انگلیس هم نفوذ کرده بدون حرف نقشه روس و انگلیس را درم و برهم خواهد ساخت، این اتحاد خیلی بر قوت مجلس افزود، انقلابیون را در برابر اعتدالیون قوی ساخت، این اتحاد بسیاری از خیالات باطله را از سرها بیرون نمود

افواه است که سالار ملی باقر خان با اردوی بزوی طازم فارس و سردار ملی ستار خان عازم عتبات عالیات خواهد گردید

حکومت عربستان با اینکه دارای هیچگونه استعداد نیست از روی سیاست و بی طبعی عربستان را امن نگاهداشته ولی چون پایه و پایه ندارد این امنیت را بحرانی بایدگفت، میگویند تشکیل اردوی هم برای عربستان داده که عنقریب عازم شوند

اختلاف کابینه طهران رفع نگردیده و صدیت مجلس و وزرا هم باقی است، از این رو کارها از روی صحت در مجرای خود نمیگردد، تبدیل کابینه منصور است ولی تصدیق به بهتری و بدتری کارها نمیتوان نمود، چه در انقلابیون هم تا آن درجه رجال کافی که بتوانند از عهده کارها برآیند دیده نمی شود اگر قوه مصلحه در بین بود کارها خیلی پیش رفت می نمود، هرگاه صدیت بین مجلس و کابینه و مخالفت بین خود وزراء نبود تا امروز قشون بیگانه ترك ایران گفته بود

بدبختانه میگویند که دست پروردگان همایگان در داخله آتش نفسان را دامان زده نمیگذارند که اطمینان حاصل آمده قشون بیگانه خروج گردد، مبرهن است که نمایندگان خارجه هم در تاید آن مذنبین هم، گونه حاضر هستند و بید نیست که این مواد اختلافیه را بجای مازکی برسانند، لطف این است که این نکات باریک و همه میدانند و باز هم دست از اختلاف برنمیدارند

توقیف دو روز نامه معتبر ایران (شرق و ایران نو) زبان ملتبان را بر کابینه دراز نموده چه این دو اخبار در حق گوئی محبوب القلوب ملت هستند

جشم و گوش مردم را باز نموده و چه میگوئی در ملتبان انداخته، چه مشیرالدوله در میان ملت به علم و تجربه و سیاست و حب الوطنی و درست کاری نامبردار و ضرب المثل است

وزارت پست و تلگراف را به معتقد خاقان وزیر تجارت سپردند و وزارت تجارت را بمشیرالدوله واگذار نمودند، وزارت تجارت تا امروز در ایران اسم بلا سمی بوده درین موقع که حضرت مشیرالدوله وزیر تجارت شده امید می رود که این وزارتخانه هم رسیت پیدا نماید

▶ فوت ادورد هتم ▶  
( از وقایع نگار لندن ما )

دو هفته است که تمام لندن بواسطه فوت ادورد هتم در غنا است. تا صبح جمعه ششم می حال پادشاه متوفی عیبی نداشت اگرچه در (بیارتز) ناخوش بودند ولی رفع کسالت شده بود معلوم میشود مجدداً سرما خوردند و بمرض (برونشیت) مبتلا شده ناخوشی زود شدت کرد و شب شنبه یک ربع به دوازده مانده وفات کردند، این واقعه حقیقتاً اسباب تالم و تاسف همه شد، زیرا سکه ادورد هتم هم پادشاه خوبی و هم آدم بسیار نازیبی بود و در دل همه اهل انگلیس و بلکه خارجه ها که ایشان را میشناخته جا داشته، بلاوه در موقی از این دنیا رفته که اوضاع پلنگی انگلیس که در مکتوب آخری خود شرح آن را عرض کرده بودم آرام نبود و وزرا و سیاستیون این ملک بخردمندی و تصایح و تجربه زیاد پادشاه پیش او هر وقت محتاج بودند، لیکر به پادشاه جدید اعلیحضرت جارج پنجم همه کل امیدواری و دارند و یقین دارند سکه (چنانچه خود شایسته روز بعد از فوت ادورد هتم در مجلس برپوی کونسل فرمودند) در تمام کارها تاسی به بدرخود خواهند فرمود، فوت ادورد هتم تنها در انگلستان و در متصرفات انگلیس هم را متالم نموده است بلکه تمام ملل از این واقعه متاسف و متأثرند و از تمام نقاط عالم اظهار همدردی نسبت بانگلیسها شد و فی الواقع محبوب القلوب ادورد هتم و عظمت و نفوذ انگلیس در این موقع خوب معلوم گردید، اگر بخوام صورت اسامی مللک و اشخاصیکه در این موقع اظهار همدردی نمودند بدهم این مکتوب

در این موقع اظهار همدردی نمودند بدهم این مکتوب

خیلی مفصل خواهد شد، پس باید باجه از طرف ایران شده اکتفا بنام بمحض اینکه پادشاه مرد، لازمه تعزیت از طرف سفارت ایران بعمل آید. اعلیحضرت شاهنشاه ایران هم فوراً به اعلیحضرت جارج پنجم و ملکه الیزابت تلگراف تعزیت فرمودند. دولت ایران نیز بتوسط سفارت لندن دولت انگلیس را تعزیت گفته و خود ستارنهم شخصاً اظهار تعزیت نمود. از مجلس شورای ملی ایران تلگرافی در اظهار حمدردی به پارلمان انگلیس فرستاده شد. و آقای مستشار الدوله در جلسه دهم می مجلس ملی نطق بسیار موزنی در اظهار تاسف از فوت پادشاه نمودند. عمو موقع نطق همه وکلا محال قیام بودند. رئیس مجلس در ضمن نطق خود گفته که فوت پادشاه هتدای است برای تمام عالم و شمه از خدمات ادورد حقم در استقرار صلح عمومی ذکر کردید و همچنین از مساعدت و همراهی که در تحت سلطنت ایشان باز طرف ملت انگلیس به اساس حریت ایران شد یعنی بیانات و اظهار قدر دانی و تشکر نمودند. حیرت‌های عمارات دولتی هم در طهران نصف کشیده و برای عزای داری موزیکان دربار موقوف شد. این نوع اشتراك ایران در عزای ملت انگلیس خیلی اسباب امتنان آنها و موجب تحیب شده است برای تشییع جنازه و دفن پادشاه آقای ممتاز السلطه سمت سفیر کبیری فوق‌العاده با چند نفر اجزای محترم از قبیل شاهزاده نصره‌الدوله و جنرال موسی خان وغیره آمدند و از طرف دولت انگلیس خیلی محترماً از ایشان بدرائی شد.

روز دفن پادشاه جمعه بیستم می بود و سفیر فوق‌العاده روز پنجشنبه ۱۹ با بعضی از نماینده‌های دیگر از قبیل ولیمهد الطریش وارد شدند دو نفر مهابدار برای پذیرائی سفارت ایران مرس شده بود از طرف اعلیحضرت پادشاه جنرال سرهنگری رواتسیون بود که وقتی بدوش در ایران وزیر مختار انگلیس بود و خودش از جنرالهای محترم کار آزموده انگلیس است از طرف وزیر خارجه (مستر لندنزی) بود که پسر لرد کرو نورد و خودش از منشیهای وزیر خارجه است. هر دو مهابدار با میرزا عبدالغفار خان نایب اول سفارت به دور که لب دریا است رفته

دو ور نیز حاضر بود کشتی مخصوص قبل از وقت به کاله برای حمل هیئت سفارت رفته بود و بعد از ورود به دوور سفیر فوق‌العاده با اتباع و مهران دارها با راه آهن مخصوص بلندت آمدند در ایستگاه راه آهن لندن (برس فوانشپس آف تک) برادر ملکه انگلیس با وزیر ایران و قونسل جنرال ایران و چند نفر از محترمین ایرانی‌های لندن حاضر بودند و سفیر کبیر و نمایندگان که از طرف دولت انگلیس برای ایشان تهیه شده بود و بیرق ایران را روی مهران خانه افراشته بودند برآمد همان شب را سفیر کبیر ایران در قصر (بوکنگهام) به شام مهران پادشاه بودند در این شام فقط سلاطین و شاهزادگان و سه نفر سفیر کبیر فوق‌العاده یعنی سفیر امریک (مستر روزولت) که سابقاً رئیس جمهور بود، و سفیر فرانسه (مسیو یشون) وزیر امور خارجه، و سفیر ایران حضور داشته.

برای تشییع جنازه ائلب سلاطین اروپا آمده بودند از قبیل امپراطور آلمان و پادشاه اسپان و پادشاه برنسال و بلمارستان و پور و یونان و دینمارک وغیره. جنازه پادشاه را چنانچه در انگلستان در مورد سلاطین و اشخاص محترم نظامی رسم است روی عراده توپ گذاشته که هشت اسب بآب بسته بودند پادشاه سوار اسب پشت جنازه بود امپراطور آلمان در طرف دست راست و عموشان در طرف دست چپ سابرین به ترتیب تقدم و تاخر در عقب بودند. سفیر کبیر ایران با رئیس جمهوری امریک و وزیر خارجه فرانس در یک کالسکه بودند همه اجاماً با جنازه بقصر و نیزوز که نیم ساعت راه است از لندن رفته و در آنجا در کلیسای سنت ژورژ مراسم ترحیم و تدفین بعمل آمد عصر همه بلندن مراجعت کردند و بعضی از نماینده ها همان شب حرکت کردند. بعضی روز بعد روز یکشنبه ۲۴ می هم برای حرکت سفارت قوف العاده ایران معین شده بود روز شنبه را سفیر و اجزایشان و مهران دارها در سفارت خانه ایران صرف نهار نمودند و جمعی از محترمین انگلیسهای ایران دوست از قبیل لرد یسگتون و پروفیسر پرون و آقای سید امیر علی و سفیر فرانس و سفیر امریک

## مکتوب از کربلايی

(سعادت و شقاوت ایران در سایه استقراض است) بر هیچ ماقلی غنی و مستور نیست که دایه های مهربان تر از مادر و همسایه های شاهی و جنوبی ایران از این جنبش غیورانه اولاد وطن چقدر ملول و مکدر و از این جان فشانیهای تازه جوانان مرصه میدان جلالت آسیا تا چه اندازه دل خون بوده و چگونه تیرهای سه شنبه آرزو و آملشان بسنگ نومیدی خورده و از تمام امیدهایشان یاس حاصل نموده این بیداری ایرانیان را از جمیع طرق بحال خود مضر دیده و از دو طرف حمله آورده و با یک جگر سوخته شب و روز بکلمات محبت انگیز و عبارات مهر آمیز ما را مخاطب داشته و میگوید، آخر ای ایرانیان چه واداشت شما را سکه دست از خواب خوش و استراحت برداشته و خود را بزحمت و مشقات انداخته و تحمل حراران متاعب و مصائب را نموده و مینایید؟ آیا ما از حق جوار درباره شما کوتاهی نموده و آنی از خدمت شما فراغت جسته و آنچه را که خواستید از پول و لباس و اسباب عیش و عشرت شما نداده و از شما مضایقه کرده ایم؛ ما همان همسایه های هستیم که چند سال آنچه را سکه از شما میخواستیم از امتیازات و خصوصیات و املاک شما داده و خم بباروی مردانه تان نیامد، مع اینکه الان حاضر هستیم که تمام خطه ایران را بشند و فر کشیده و کشف مادن و پول و آنچه را سکه بخواهید شما داده و شما از این مملکتی که تمامی زحمت و مشقت است بجز داشته در نهایت عیش و نوش دوباره با استراحت بخواهید. این ایرانیان بی وفا هیچ گوش بنصایح و اندرز این دایه های مهربان نکرده و اصلاً اعتنائی باین همسایه های چندین ساله نموده و ابداً حق همسایه گری را بجا نیاورده دستی خود را در زحمت انداخته و شب و روز خواب خوش را بر خود حرام و فرصت مداخله باین دو همسایه نداده و از هر گوشه و کناری که آنها خود را داخل نموده و میخواستند حسن خدمتی بنمایند دست رد بپسند آنها زده و آنها را مایوس میکنند و در عوض تشکر از عساکر بیک داخل مملکت آنها سوق نموده و بنام نسیبیت راه آفتاب را به تیر باز کرده اند

درهم و برهم رفته محرومین آتشین قم مقالات میبجانه نوشته و شب و روز اظهار ناراضندی نموده و آنها را مفسد و خراب میکنند مملکت و تحریک میکنند رحیم خانها و شامسونها و وشتها دانسته غارت و اغرابی شهر ارمیل را نسبت بآنها داده و علی الاصل موجبات قیام عساکر همسایه شاهی را فراهم آورده و طرق مداخله آنها را قطع و سد باب اعذار آنها را مینمایند، آخرین نامهربانی که باین دو همسایه مهربان و دو دایه شیرین زبان نمودند همانا مسئله استقراض از این دو همسایه بود چون این دو همسایه مورد مداخله خوبی پیدا کرده و راه را شوشه کان نموده فرصت را غنیمت دانسته با یک قوه برقیه خود را بایرانیان رسانیده و سر کیسه را باز نموده گفتند بسم الله آقایان آن مبلغی را که میخواهید برداشته و نکوئید که همسایه های ما بیوفا و بی مهربان بودند، ولی در مقابل محض یادآوری خودتان مختصر شرائطی که چندان اهمیت ندارد نموده و البته شما قبول خواهید کرد لکن باز بالاسف سکه این طفلان تازه یا برشت نداده همین سکه شرائط بر باد دهند استقلال و رفیت و اسارت شنیدند باین قوت قلب و جسارت فوق العاده غیر معموله چنان دست رد بپسند آورد آنها زدند که ناگاهی روزنامه تایمس و نیویورکیا دل سنگ را کباب نمود واقعا چقدر این دو همسایه مهربان بوده خصوص همسایه شاهی که با وجود آن همه قروضی که بدولت فرانس و غیره دارد و با وجود اغتشاش داخلی و تهدیدات چین و ژاپون در سرحد باز دامن همت بکمر زده و سرکیسه ته سوراخ خود را باز نموده و تعارف مینماید

حال که شما ایرانیان خوف نموده و بهایم عدم مرعوبیت خود را ارائه کرده و این دو همسایه را بین همقطاران شرمند و خجالت زده نمودید آنها هم لاسیا مثل شخص غصه ور در کنار ایستاده و تا شما مینمایند سکه چه گونه از عهده انجام خدمات خود برآمده و تحصیل پول خواهید کرد و شما هم الحق خوب فکر کرده و میخواهید قرض داخله نمایید، چنین نیست؟ خیل خوب و مرغوب ولی باید اولیای امور ملتقت این نکته باشند که سعادت و شقاوت ایران بسته باین استقراض است

زیرا که این ملت نجیب که تا کنون تحمل هزارها مشقات و مصائب را نموده و در زیر بار ظلم سلاطین کر خن کرده و گول خیلی از اشخاص دوره سابق را خورده و از همراهی کپنی عمومی و بانک ملی و و . . . مضایقه نموده و آنچه که ممکن داشته داده است باز امروزه تلفت شده است که آخرین علاج قطع بد همایه گات بی مروت - و مداخله آنها در داخله مملکت باعانه و قرض دادن است و تمام از وضع و شریف خود را حاضر و میرا نموده که مبلنی باین عنوان بدولت جدید خود داده و سد احتیاجات او را تا درجه از خارجه بنمایند و در این دوره مسعود مشروطیت که آنچه را امروزه بشنوان قرض خواهند چند وقت دیگر پس بگیرند بنا بر این مصادر امور و اولیاء دولت و ملت باید هم خود را مصروف بدو چیز که سعادت مملکت و استقلال اداریت منوط بآن است نموده و ملاحظه عقبات را از امروزه داشته باشند آن دو چیز یکی سر موعد ایشای این دین را نمودن و سود را سر وقت رسانیدن و باصلاح خوش معاملگی کردن است و دیگری مصارف این مبلغ را باکال دقت در اقتصاد و میانه روی و اعتدال در مخارج و مصارف ارائه بعموم ملت باید نموده و واقعاً تکمله بواقص منظوره را بنمایند بواقص زیاد و بولکم نوعی نباید نمود که فردا ملت از آنها مطالبه مخارج و مصارف را نموده و زبان طعن و مذمت بر آنها بکشاید این دو فقره که باکال همت و دقت بگری و منظور گردید بدانند که دندان طمع اجانب را بکلی قطع نموده و سعادت ابدی را دارا خواهند شد و بعد ها بمجرد اعلان قرض از جمیع اطراف بر همدیگر سبقت نموده و ممکن است که تا دو بیست سیصد کروم بتوانند استقراض نمایند ولی اگر خدای نکرده قدری اجمال نموده و بیک وعده خود وفا نموده بدانند که دیگر ایران مال ابرایان نخواهد بود دیگر این ملت ذره بقول شما اعتماد نکرده و بیک دینار بشما اعانه نخواهد کرد آنوقت است که باید بدر خانه های همایگان بی رحم و بی مروت رفته و در مقابل آن شرایط استقلال بر باد دهند را قبول بنمایند آنوقت است که نظام جمیع امور سیاسی و علمی و تجاری و و . . . را بپهلو برد بانها داده و بر روی در خانه ها

نشسته و محکوم اجانب و دشمن گردید آنوقت است که روزنامه تابیس و رقنایش برادر خود نائل شده جشنها گرفته نطقهای آتشین آنها آتش بخرمین ایران و ایرانیان خواهد زد و آنوقت است که مسجد ها کلیسا و نفوذ در ناموس و اعتراض ها خواهند نمود ایران بدتر از مصر و قفقاز خواهد شد آنوقت است که لذت ابدی را بر خود نازل کرده و سعادت دنیا و آخرت را مبدل بشقاوت خواهید دید

والسلام علی من اتبع الهدی

شیخ العراقین زاده محمد رضا

قل از روزنامه شریفه شرق

اسرار وزارت خارجه

( تاریخ امتیاز فروش رود کارون و اهواز )

( و یا رود نیل ایران )

کار آگاهان بخوبی میدانند که حقوق وطن فروشی و رواج آن از سال ۱۳۰۳ شروع و در سال ۱۳۲۳ بحالت توقف ماند و هموم امتیازات مضره در این مدت بیست سال بدست میرزا علی اصغر خان انابک بخارجه داده شد و ایران را بدین روز بدبختی انداخت. قبل از این تاریخ چه در تمام مدت سی و دو سال وزارت خارجه میرزا سعید خان و چه دو سال وزارت خارجه محمود خان ناصر الملك هیچ کوشی صحبت ادای امتیاز بخارجه و نشینده و در هیچ ارشوبوی سندی راجع بدین خیانته دیده نشده - به جز امتیازاتی در مدت هشتاد سال مدت نفوذ حاجی میرزا حسین خان سپه سالار اعظم بخارجه عطا شد. اول امتیاز راه آهن ( ریل ) بود که بعد منحل گردید - دوم قرار داد ایجا بریکاد قزاق - سوم قرار داد ( اتحال ) و تسلیه ترکستان به همایه شاهی برای خلاصی از تاخت ناز ترانکه و این قرار داد بتوسط یحیی خان مش الدوله بصره و امضای ناصر الدین شاه رسید

این قبیل وطن فروشی ها بحال توقف بود زمان وزارت خارجه حاجی میرزا حسن خان مش الدوله که بمهر ایشان سندی به بانک شاهنشاهی داده شد که هر قدر خواهد تشر بلیط ( اسکناس ) بمانا را به نماید و وجود قیمت دولتی بلد را از طلا در خزانه بانک براهیم

دولت ایران بود ( اهمیت نخواهد داشت  
 این قضیه پس از مرگ میرزا حسن خان وزیر  
 خارجه معلوم گردید . تا اینکه ایام وزارت خارجه  
 به میرزا نصرالله خان مشیرالدوله رسید چنانچه  
 بخواهم تمام اعمال او را بشمارم هزاران بیت لازم  
 دارد. همین اندازه اجمالاً گفته میشود که امتیازات  
 خانه خراب کن در زمان صدارت امین السلطان  
 و وزارت خارجه میرزا نصرالله خان مشیرالدوله  
 داده شد و این هر دو بام همدست بودند  
 و در عرض این مدت بعضی تغییر و تبدیلاتی  
 داده شد که چندان اهمیت را دارا نبود ایامیکه  
 وزارت خارجه بعد الدوله واگذار شد محض  
 خصوصیت باسفرایک حق بزرگی را از وزارت  
 خارجه سلب نمود و آن این بود هنگامیکه کسی  
 بهمسند وزارتخارجه جلوس میشود و اعلان رسمی  
 داده میشود برحسب معمول تمام ممالک دنیا و حقوق بین الملل  
 باید تمام سفرا از وزیر امور خارجه آتش مملکت  
 دیدن نموده و تبریک رسمی بگویند ولی بعدالدوله  
 از کثرت شهوتیکه بدین کار داشت فوراً شروع به  
 دیدن مسکرون از سفرا نمود و هر قدر روسای  
 وزارت خارجه او را منع نمودند مؤثر نکند . و  
 به همین جهت و بعضی جهات دیگر اعضاء وزارت  
 خارجه شوریده و ایشان را از مقام وزارت مستعفی  
 ساختند، تا اینکه در وهله ثانوی وزیر امور خارجه  
 و رئیس الوزراء شد، از جمله اقداماتی که در مدت  
 وزارت خارجه خود نمود به تلافی و تشکر از میر  
 بانی سفیر هلاند اعطای وکالت برای دادن امتیاز  
 بستن سد اهواز به مسبو ( استور لرد ) وزیر  
 مختار هولاند بود که بهر کپانی که مصحلت داند  
 امتیاز سد اهواز را بدهد (وچنان تصور میشود که  
 یکی از مقاصد سفیر جدید هلاند ) که همین چند  
 روزه وارد خواهد شد ، اجرای پاداش همین خدمت  
 سعدالدوله باشد )

( خدایا از معاصی ذیل برده بردار !! )  
 پس از اینکه علاه السلطنه در وهله چهارم  
 اداره این استقراض مجلس ملی در حرکت و یا نداشتن تقریر  
 چند نفر از اعضاء مجلس ملی در حرکت و یا نداشتن تقریر  
 چند نفر از اعضاء مجلس ملی در حرکت و یا نداشتن تقریر

مصالحت دیدند که شخص عالم مجرب را به علاه  
 السلطنه معلوم قرار دهند که امور مسئله وزارت  
 خارجه را از زاویه بخول بیرون آورده تصفیه  
 نماید و در ضمن حدی هم به انتریک ها و خوش  
 نصیبی معین الوزاره پسرش نهند بدون آنکه روزنامه  
 زنده گانی ثقة الملک را مطالعه نمایند و از مدارج اطلاعات  
 او در فن دیپلماتی و علوم سیاسی کسب اطلاع نمایند  
 که چه بود و بجه امتیاز و یا بجه معلومات سابقه  
 داخل وزارت خارجه شده بود فقط به محاوره  
 مصنوعی او قناعت نموده به معاونت وزارت خارجه  
 اش بر افراشته و حال آنکه اگر مجلسی منعقد  
 شود و واقعات فن سیاست حاضر شوند فوراً  
 ثابت خواهد شد صکه ابدأ این شخص لایق این  
 مقام نبوده سهل است لایق مدیریت اداره عثمانی  
 هم که چند سال به فوذ برادرش درک مقام نموده  
 نبوده است

پس از عزل علاه السلطنه فرماضرمائی وزارت  
 خارجه مستقلاً بجناب ثقة الملک محول گردید . از  
 افکار این وجود شریف گذشته از این که تولید  
 تفاق در میان اجزاء وزارت خارجه نمود و چندین  
 مامور از روی هوا و هوس معین کرد و کسان  
 و بسته گان خود را ترویج نمود . اولاً برای خود  
 نمائی نظامنامه وزارت خارجه را که بدستباری علیای  
 فن مثل مشیرالدوله و موتمن الملک بدون کشته بود  
 بام معلومات خود با بعضی تغییرات غلط پیش نهاد  
 مجلس مقدس نمود

ثانیاً اقتدا بمرشد کامل یعنی سعدالدوله که او را  
 مامور تبریز نموده بود مسکرونه . و بموجب کاغذ  
 رسمی اجازه کشتی وانی را به مسابه در قسمت  
 علیای رودخانه کارون عطا و پیشکش فرمود !!  
 شنیده شد کهنه دیپلماتی از اجرای این خیانت  
 بایشان ایراد نمود که اهمیت موقع را اگر میدانستی  
 چرا مرتکب گشتی و اگر نمی دانستی چرا در این  
 باب شور و مشورت نه نمودی و چنین امتیاز  
 بزرگی را از دست دادی، جواب فرمودند مسبو  
 چرچیل مترجم سفارت انگلیس حضور حضرت سپهبد  
 رسیده بود و حضرت معظم بایشان وعده داده  
 بودند و جناب وزیر مختار انگلیس بوزارت خارجه  
 آمده اظهار رعیت حضرت سپهبد را کردند و

رود کارون منتفی بود که پس از اعطای اجازه اولیای امور پیشانگشته اجرای این امتیاز را منوط با اعلان رسمی دارای بیست و چهار شرط معینه نموده و اعلان را بزبان فرسی و عربی نشر دادند و رود کارون را با شرایط بیست و چهار گانه که یکی از آنها شرایط عدم دخول کشتیها بکارون علیا بود مجرا داشتند. که در حقیقت هر دو متعلق با وراثت بود مشغول حل مال الاجاره گردید و یک از سفین که اصلاً متعلق بدولت و حال امیر نام دارد و سپرده بکپانی تاج است و دیگری نصرت نام از آن کپانی ناصری و سیر این کشتیها فقط از عمره است الی بندر ناصری

در این بندر چون سد حایل و به صعوبت می توان عبور نمود لاید مال التجاره حل گشته بتوسط تراموه بکنار اهواز آید و از آنجا مجدداً حل بکشتی در کارون سیر نماید و امتیاز کشتی رانی علیا مختص ایران و تبعه ایران بود. که آنهم بمرحمت معاون وزارت خارجه امروزه محض از دست رفت از شرایط مقبولی در پیش هواخواهان وطن احتماً باید وطن فروشی اختیار شود تا درك مقام و منصب نماید، شرح ژوگرافیا و اهمیت موقع کارون و اهواز را که در حقیقت رود نیل ایران میباشد با حالت معدن نفت برای ثمرات آتی میگذاریم

رای کمیسیون استقراض داخلی  
 نظر باینکه از اطراف تلگرافات مفصله و لوائح متعدده مبنی بر حیثیات وطن خواهانه و اظهار همراهی برای رفع احتیاجات فوری دولت و ترتیب جمع آوری وجه تقدیم مجلس شورای ملی شده بود مجلس تصویب نمود که کمیسیون مرکب از دوازده نفر منتخب شود که در لوائح وارده مذاقه و ملاحظه نموده و برای استقبال حیثیات ملت ترتیب قطعی مناسبی بجهت تحصیل وجه اتخاذ کرده و پیشنهاد مجلس نمایند

اعضاء مفصله دلیل با اکثریت منتخب و در روز چهارشنبه چهارم شهر ربیع الاول کمیسیون را منعقد نمودند بموجب ذیل

مؤتمن الملك، قتی زاده، آقا شیخ ابراهیم صدیق حضرت، لسان الحکامه، لیدانه خان،

مهم کاغذ رسمی نوشته اجازه دادیم که برای تسهیل کار کپانی نفت در قسمت علیای کارون کشتی رانی نمایند. دو مقابل این شوال و جواب لازم است که برای ایستات قلب این بزرگوار خواطر محترم اولیای امور را قرین اطلاع نمایم

اولاً نظر بامتیازیکه دولت بکپانی نفت داده است و متقبل گشته است که موجهات تسهیل امورات واجبه بکار معادن را فراهم آورد بدین معنی که اگر زمین برای کپانی طرف احتیاج شود و صاحب اراضی مشکلاتی پیش آوند و قیمت گزاف بخواهند بخروشند دولت علیه برای تسهیل صاحب زمین را به فروش قیمت عادله قانع نماید و بحکام بنویسد مساعدت نمایند و از این قبیل مساعدت.

اما در صورتیکه کپانی ناصری تبعه ایران حاضر بوده است که با قرار داد معینه به اطلاع دولت تسهیل حل نفت را از شوشتر به عمره بتوسط کشتیهای خود نمایند دیگر چه محتاج بود مجبور نمود که چند خیانت بزرگرا به مملکت نموده اجازه کشتی رانی را بخارجه بدهند و حقوق حق دولت و مملکت را در آن رودخانه تضییع و سلب نمایند و اینکه میگویند حضرت سیداراعظم وعده کرده بودند بموجب کدام سند کشتی، بر فرض حضرت سید دار رجوع به مجلس وزراء هم فرموده بودند و در مجلس وزراء هم تصویب گشته بود و رجوع به مجرای اصل و وزارت خارجه بود می فرمودند چون شما مسئول این اداره بودید اولاً بایستی در این باب تحقیق و مشاوره می نمودید اگر صحیح بود بایستی رجوع به تصویب مجلس مقدس شورای ملی میکردید و اگر نا صحیح بود اظهار عقیده نموده و راپورت میدادید. و شبهه را قوی می گیریم اگر شما را مجبور نموده بودند شما استعفا از کار میدادید بهتر بود که مرتکب چنین خیانتی بدولت و ملت بشوید. و این قسمت با کره مملکت را بدست اجانب بدهید

زائد نخواهد بود که در این باب به مرض قارین محترم و ارباب حل و عقد برساند. که در سنه ۱۳۰۶ ( سرورومان ولف ) وزیر مختار انگلیس بجه امتیاز از طرف آقا بیگ سرافراز گردید

لرعايا ، اسدالله ميرزا

و هيئت عامه را از اين قرار انتخاب نمودند  
 مؤمن الملك رئيس ، آقا شيخ ابراهيم نايب رئيس ،  
 سدالله خان منشي ، اسدالله ميرزا مخبر

ابتداء لوائح واسله قرائت شده پس از استحضار  
 ز مفاد آنها معلوم گرديد كه بر سه طبقه تقسيم  
 مي شوند. قسمي راجع بجمع آوري اعانه و بعضي  
 حاكي بر استقراض اجباري و برخی مشعر بدستور  
 العمل استقراض اختياري

كميسیون چنين صلاح دانست كه اساساً در صلاحيت  
 و عدم صلاحيت اين سه طريق شور و مذاكره  
 نمايد ، دو مسئله اخذ اعانه و استقراض اجباري  
 را كميسیون نظر بانكه تحميل بملت را جائز  
 نميدانست با اتفاق آراء رد كرد ولي شق ثالث را  
 با اتفاق تصويب كرد و مبناي مذاكره را  
 براستقراض داخلي اختياري قرار داده و داخل  
 شور گرديدند. كميسیون در هشت جلسه مفصله تامل  
 افكار نموده و با اتفاق شرايط مفصله ذيل را از  
 لوازم استحكام بنای اين اقدام و جلب اطمينان  
 و اعتماد كامل اهالي دانسته

اولاً - صحت مصرف وجه استقراض

ثانياً - تعيين هيئت بطارت عاليه در امور  
 استقراض ،

ثالثاً - تعيين مائدي معتبري بجهت تاديه اصل و  
 قرض

رابعاً - ترتيب صحيحي براي اخذ وجع آوري  
 در تمام نقاط مملكت

خامساً - تعيين يك نفر اروپائي براي مراقبت  
 در اداره كردن استقراض داخلي

در پنج مسئله فوق پس از مذاقه و مذاكره  
 كامله رأي كميسیون ر اين شد

اولاً - وجه استقراض بايد مصرف بعضي مسائل  
 و اصلاحات اساسي كه مجلس تصويب خواهد كرد  
 رسانده شود

ثانياً - براي نظارت و مراقبت در تمام اعمال و  
 اداره آن استقراض مجلس شرواي هيئت مركب از

ثالثاً - محل تاديه اصل و فرع قرض چنين تصويب  
 گرديد كه ايداعات خالصه جات دولت تخصيص شود  
 و در صورت عدم كفايت از ايداعات تذكره بان  
 ضميمه گردد ، ب علاوه رأي بر اين شد كه صاحبان  
 سهام حق خواهند داشت برشهاي سهام را هر  
 ساله به عوض ماليات بصندوق ماليه به بردازند

رابعاً - قرار توزيع سهام و اخذ وجه در  
 تمام نقاط اين قسم داده شد كه سهام استقراض  
 در هر جا بتوسط بانك شاهنشاهي توزيع شود  
 و طالبان سهام در هر محل رجوع بشعبه يا عامل  
 بانك مزبور نموده و معادل وجعي كه مي بردازند  
 سهام دريافت خواهند كرد .

در اين ماده مذاكره شد كه ممكن است  
 اشخاصي در ابتدا مبلغي را كه دو طلبانه  
 بعهده ميگيرند در ده نسط ماهيانه بصندوق بانك  
 مزبور عايد دارند يا اينكه چند نفر بشركت  
 يك سهم بخورند ، اداره استقراض لوازم اين  
 ترتيب را براي تسهيل امر طالبان سهام فراهم  
 خواهد نمود

خامساً - متفقاً رأي بر اين داده شد كه يك نفر  
 از خارجه مخصوص ماليه استخدام يا تعيين شود كه  
 در تحت مراقبت او ترتيبات لازمه بجهت تاديه اصل  
 و فرع قرض فراهم شده محل اداء قرض اداره شود  
 بعد در خصوص منافع و مدت استهلاك و مبلغ  
 قرض مذاكرات كافيه شد منافع از صد و پنج الي  
 صدی نه پيشهاد گرديد لکن كميسیون، با ملاحظات  
 دقيقه صدی هفت را اختيار و تصويب کرده و  
 مدت استهلاك را به بيست سال تحدید نمود، اما در  
 باب مبلغ صلاح برآن دیده شد كه میزان آن را  
 متناسب با عايدی خالصه جات كه محل تاديه قرض  
 است بگيريم باین معنی كه تاديه تمام ايداعات مزبوره  
 هر ساله تا مدت بيست سال چيه مبلغ سرمايه را  
 با فرع صدی هفت مستهلك می نمايد ايداعات ساليانه  
 خالصه جات بين چهار صد هزار و يك كرور است  
 اگر فرض كنيم هر ساله چهار صد و هفتاد و دو  
 هزار تومان از بابت اصل و فرع از محل خاصه

چندین کرور اموال آنها را سارقین برده امروز  
 تمام <sup>پوشنود</sup> فوشتنود شده که ماده فساد قلع و مشروطه  
 ربا شده. لاکن <sup>ظرفی</sup> تمام این انتظار و عدالت خواهی  
 سراب نمود نه آب. <sup>ظرفی</sup> احوال حالت این ملک را می نگاریم  
 باقی را بانصاف عقلا و رؤسای مشروطه خواهان  
 حقیقی میگذاریم چون تمام معروضات اظهارش  
 است محتاج بانیات و اقامه برهان نیست

اولا وضع بلوکات و اخذ مالیات همان مستبدین  
 بی رحم چندین ساله که خون این خلق را مکیده و  
 امروز خائف بودند که دولت آنها را مجازات خواهد  
 داد تمام با استمداد مامور بلوکات شده دو مقابل  
 هر سال مردم را تاراج و جریمه بلکه نفوس را  
 در حیرت مقتول نموده آنچه وطب و یابس برای  
 رعیت باقی بود بردند، اینک انجمن ایالتی که دارند  
 نباید این قدر بی دین باشند که اعماض مایند، دولت  
 از آنها سؤال نماید تا جواب بشنود، قشون دولت  
 حتی لاشه های بی تنگ از اول زمستان از رفتن  
 بلوچستان و فرستادن استمداد صرف نظر کرده  
 حال که گرم شده بی صاحب در تحت خود سیاسی  
 همایه جنوب افتاده، معلوم نیست امنای دولت چرا  
 صرف نظر از بلوچستان که نظیر هندوستان است  
 فرموده، رئیس نظیبه وارد شده آنچه اشخاص  
 منسد مجازات دیده و معارف اشرار یا گوش بریده  
 و مداخل رسان دیوان خانهای استبدادی بوده جمع  
 نموده آنها را بدون تصویب انجمن و عقلا مسلط بر  
 ناموس ملت کرده عنوانهای عجیب هر ساعت مینمایند،  
 دوشیز علمای متقی را جنابان آقا میرزا اسماعیل و آقا  
 میرزا محمود مجتهد که سی سال است در کرمان بدون  
 دخالت در موقوفات و مراعات مشغول نماز و وعظه  
 و نشر معارف بودند شب گرفته پای برهنه با کلاه  
 نمد روی مال انداخته بجایاری گرسنه و نشنه برانسانجان  
 برده و شهرت دادند آقای ثقه الاسلام را بدار زدند  
 خبر باصفهان دادند، تلگراف حضرت حجة الاسلام  
 آقای نجفی و آقای ثقه الاسلام در برگردانیدن  
 حججه اسلامی رسیده ناچار برگردانیده اجازه ورود  
 شهر ندادند، در دهات بخیرسختی توقف فرموده یک  
 دهنه قلوب از مشروطه منجر شده چی الواه شهر

کرور تومان قرار داد، درخاتمه در خصوص طبع سهام  
 مذاکرات شده، کیسیون با کثرت تصویب نمود که  
 فقط سهام ده تومانی طبع و توزیع گردد تصدیق  
 یا تغییر مسائل فوق منوط خواهد بود برای مجلس  
 مکتوب از کرمان

(گفت شیخا خوب ورد آورده)  
 (ایک سوراخ دوا کم کرده)

در افتتاح مجلس ملی و اول امر مشروطه خیر  
 خواهان دولت و ملت هر قدر فریاد زدند امورات  
 تدریجی الحصول است یکدفعه فشار بر ملت آوردن  
 باعث انزجار قلوب از مشروطه بلکه سبب خرابی  
 و اهدام مجلس خواهد شد، اشخاصی که در منی  
 اسباب کار مستبدین بودند در عین انقلاب مالیات  
 کاسکه و درشکورا با عدم تعمیر راه تجویز میگردید،  
 بوجدکایات محض خیردوات و ملت وضع حالیه کرمان  
 را بجهت ملاحظه رؤسای دولت و ملت عرض می باید  
 که قدری تامل فرموده تا زود است جلوگیری  
 از حادثات غیر مترقبه فرمایند، مذهب در هر قوم  
 محرک بطینت آنها شد (با شیر اندرون شده و با جان  
 بدر رود) صد و بیجا سال است دولت انگلیس  
 در هندوستان خود نموده تا مالک بالاستقلال شده،  
 دسات نصاری هرارها باسای مختلف در مقام اشانه  
 دین مسیح مشغول میباشند، روز بروز برتصمص ملل  
 متنوعه می افزاید، هنوز هیچ قومی قادر نیست محادی  
 مسجد مسلمان ها موزیک بزند. قریب بمسجد ساکت  
 شده تا از محادی دیوار مسجد میگذرند آه وقت  
 شروع بنواختن ساز می نمایند

چه گونه امکان دارد معدودی جهال مستترنک  
 یا صاحبان ادیان جدید یکدفعه اغراض شخصی را  
 در عنوان مشروطه بکار برند و قلوب عموم ملت  
 را مملو از بعض و انزجار از مشروطه نمایند، زهی  
 عجب عنوان این امر و پیشرفت آت از حججه  
 اسلامی شده راست است دولت خرج دارد و دخل  
 میدید میخواستند، بحیثیت ملائمت عشق عدالت که جان  
 ها را نیز در راه دولت و وطن بالمال نثار نمایند  
 به بطم و استبداد و توهمین بذهب و ملت که جهال  
 راضی به تبعیت اغیار گردیده دو سال است ملت

نوع نموده همین بذهب نسبت به نماز گزاونندگان  
و همین نموده هیچ جای دنیا بر اوزاق خلق مالیات  
زیاد کسی نه بسته دیوارها و دکانهای مردم را  
حکم بخریب نموده اند، آنهم یکدفعه بر عموم مردم  
خسار آوردن و پلیس تعارف خاستن یا خراب کردن  
اگر بنا باشد این اعوجاج دیوارها را مستقیم نمایند  
باید حکم بخریب تمام شهر نمایند و از نو شهری  
بنا نمایند ورنه شهر خرابه هزار ساله را نمیتوان  
یکدفعه پاریس کرد

دیگر استیلاء ملل غیر اسلامی را بر مسلمین  
گذشته از تساوی حقوق آنها را صادق القول وبدون  
ملاحظه حیات های بیجا کردن و تحقیر مسلمین و  
آنها را از یهود بست تر دانستن مخارج زیاد و  
مواجب های گزاف و اجزای زیاد که با وجود  
یکی دخل لزوم ندارد ماهی بجهت تومان سی تومان  
خرج فراهم آوردن و نقت که تعلق به تجار داخله  
میباشد مالیات بسته تجار خارجه شکایت قوسل برده  
آنها را متعرض نشده انجمن بلدی هم دایر شده  
مرکب از چند نفر تاجر ملاک قالی باف زعم دکانداری  
اهمیت انجمن بلدی و اداره آن محتاج به تشریح نیست  
که تمام مساجد مدارس حمامها اسواق طرق شوارع  
میدانها باکها درختها در تحت این اداره است  
لاکن باید در هرکاری مشورت نمایند، عقلا و روسای  
شهر را دعوت نمایند، خود اهالی را متدرجاً راضی  
به بعضی اجازات مالیات های جدید نمایند. هرگاه  
بدون رویه و تعقل مشار و مخلوق و سنجیده  
بر همه چیز مالیات زیاد ایجاد نمایند معلوم است پیشرفت  
نخواهد کرد، چون هنوز معلومات آنها ظاهر نشده  
شرح حال آنها را بعدها عرض میکنیم. علیالمجاله  
افیون و نمک که انحصار آنها گویا از مرکز حکم  
شده بر دغال و هیبه و نقت هم مالیات بسته

حاصل آنکه قلوب يك كرو، مرد و زن این  
ملك از ناملایات و سوء ترتیب استبدادی از مشروطه  
انزجار یافته و این قدر اغلب اقوام شعور ندارند  
خیال میکنند اینها همه حکم حجج اسلامی عتبات  
است، از آن طرف مستبدین نیز شربت های دروغ  
داده که خوب ماده این نفرت را قوی ساخته ،  
احمال آنها که بی برد، استعمال منہیات می نمایند گاه  
آنها را مطلقاً که بعضی سایل بودند بدست آورده

هرگاه حضرت حجة الاسلام آقای نجفی سلمه الله  
امر به گردانیدن جنابان آقا میرزا اسمعیل و آقا  
میرزا محمود سلمه الله فرموده بودند آنها را نظیر  
شیخ نوری و ملا قربانعلی زنجانی واجب القتل قلم  
داده در راه تلف می شدند، دو نفر طلبه جاهل  
بغنون کار احتراماً بگویند شایسته بوشیدن عبا ندارند  
یا جنابان آقایان از کثرت تشکيات مردم بگویند  
مشروطه که علمای عظام حکم بوجوب فرموده عین  
عدالت و موافق شرع است الا در سپاسیات مقتضای  
عصر جدید باید رفتار نمود استعمال مکررات به الواط  
مباح و بر رعایا حرام این قانون از کجا اخذ شده  
و اگر در جزئیات خاسته باشیم سخن گوئیم  
جایز نیست زحمت خود دادن و برده اهل وطن  
دریدن است، چون در شماره ۳۴ اخبار تهرانی تجدید  
از ادارات و ورود رؤسا درج شده اخبار نگار  
اطهار بنشاست نموده شاید هنوز اقدام بکار نه نموده  
بودند نه در روسیه نه در پاریس نه در لندن نه در  
عمانی که نگارنده سیر و سیاحت نموده این طور  
قانون های خیالی آنهم ناشی از کله های بر فساد  
جمعی فسدین بی همه چیز شهری ندیده

اول شیر و ماست را انحصار نموده قطشده فریاد  
قرا که چند سال است سفیدی ماست را ندیده مانند  
شد، مجدد معلوم نیست چه شد که مالها اداره  
نظمیه را راضی کردند در تمام دیبا ملاحظه کار  
می کنند

حکایت مالیات نقت این است که يك روز بی  
خبر در تمام دکانها و انبارهای شهر پلیس ریخته  
بر آنها تکت زده که فلان مبلغ هرچلیک بی شاهی  
تا دو قران نیم بداره رسیده

چون تجارت خانه نوبل روسی نقت کبی وارد  
نموده که فروش تمام نقت را بخود منحصر نماید ،  
لذا امروز بدون فایده می فروشند، بیچاره تجار داخله  
که هر کدام حزقی دارند بصرف می فروشند یکمن سه  
قران است، وکیل آنها به نمایندگی دولت روس تشکی  
نموده باینسده قزاق فرستاده کاند ما را محو و  
اعتراض نموده بدون اجازة و سؤال و جواب با  
سفارت و قوسولگری حق دخول بازار و طبع  
مکتب دارند، آنها قزاق را جواب داده مانع از  
سکندن شده، نمایندگی ده قزاق با پیدی روسوا

فرستاده تمام نوشتهها را کننده بالاخره معلوم نیست چه گفتگو شده که آنها را وا گذارده حال اگر این مالیات بر رعیت داخله تنها تعلق بگیرد مسلم است مال داخله می ماند و از خارجه بواسطه ارزانی مصرف میشود

هر کار باید از راهش داخل شد اجناس خارجه را وقتی میتوان ترك نمود که اول در وطن نظیر آن آن را تهیه نمود ، خداوند بسر دار جنگ حکم یزد خیر دهد که راه یزد را امن کرد قریب صد نفر دزد فارسی و اموال مردم را گرفت لاسکن در کرمان افشار بجاچی تا چهار فرسخی آمده قافله را میزند چند قافله را طایفه زرگر افشار در راه بم که ۲ منزل تا بم و حکومت بم بوده زده راه بندر که علی السجانه تردد ممکن نیست، خاک فارس را هارلو عرب، خاک کرمان را افشار بجاچی میزند ، بلوکات را ضباط تاراج میکنند ، بلوچستان و آگذار به بلوچها و همسایه جنوب است، همه ترتیبات و اقتدارات بر رعایای شهری وارد است، چون انسان در صورت امکان هرگاه ساکت باشد باز ظلم کرده است اجمالی از وقایع این ملک را برض رسانید امیداست اولیای امور توجه فرموده هرگاه فی الحقیقه مشروطه خواه حقیقی و طالب پیشرفت امور و حفظ استقلال وطن و صاحب دیانت حقه میباشند این معایب را اصلاح فرمایند و الا راهی است برای خارجه صاف می نمایند و ما علینا الا البلاغ

آخوند های کلاهی

امطار لطیفه عموم اصلاح خواهان و مشروطه طلبان حقیقی را بدین برائت استهلال جلب نموده و مقاصد حسنه و مشروطه خود را در تلو همین حکایت باعجاب میرساند ، که جهة چه چیز است که صنف آخوند ها در این دوره تازه ایران خارج از سرحد تقریر طرف منافرت بعضی فرنگی مآبان واقع گردیده اند ؟ اینکه صنف آخوند طرف منافرت فرنگی مآبان واقع شده اند گویا این سلسله اجحاف و زیادتى و اعمال غیر مشروطه و بالاخره فاسد حقوق مردمند ، اگر نظر بدین نکته باشد پس باید یاد آوری کرد که اگر حرکات استبدادانه و اعمال غیرمقولانه فرق ظلمه امروزی را تقسیم نائیم ازده قسمت این منیبات نیم قسمت باین

سلسله تعلق نخواهد گرفت ، این امضا را میتوان بتیان شواهد متعدده و برامین واضحه محسوسه ثابت داشت ، اگر بکنفر آخوند معاش يك محل جزئی موقوفه یا يك وجه غیر مستقیم را تصرف و تصاحب مینماید و ضمناً حافظ استقلال ملت است ، فلاش آدم که بقول خودش تربیت شده و حاشی معارف و از قابل محترمه است چرا باید ملعانه مبلغ گزافی از پولیکه بهزاران لطائف الحیل برای صرف اداره معارف تهیه شده و برایش تربیت و تعلیم شصت نفر اطفال بیم و بی کفیل کافی است بلا عوض بوده و صرف تمیضات خود بنماید و حال آنکه در صدر دفتر و صندوق تصدیدی بنجد جلی نوشته اند ( تعاونوا علی البر و التقوی ) گویا معاوت بر و تقوی متابعت شهوات نفسانیه است ، دیگری که خود را اولین مأمور اصلاح خواه دولت مشروطه میدانند بامید یقین نمودن اموال مظلوم از مشهد بتوان دستگیری بلوچ حرکت مینماید حال آنکه به دو کله تلگراف میشد آنها را بمشهد حاضر کرد و ثروت ملت را بر باد داده بچاره نمی تواند سالار خان را گرفتار نماید که دندان سنگ و بکنزخم کاوله برایش خورده بواسطه همین کاوله خوردن قشون نیم رسی ما را در انظار داخله و خارجه رسوا ساخت آفرین بر این مشروطه خواهی که يك نفر افریخان وحشی از تصور این ققرات عاجز است

حال سنوال میشود که کدام آخوند این طور سبوعیت و اینگونه وحشیت را درباره نوع خود در این عصر جدید سزاوار میدانند ، دیگری نیز که خود را از مؤسسين اشتراط سلطنت ایران میدانند و همواره مردم را اغوا مینماید که در بوم و بر زن بوسائل مختلفه مدحش نمایند کسی نیست بگوید یا ایها المدلس در مشروطه خواهی اول قلم ترقی خواهی و راه صلح و سلم گرفتن است چرا در این عهد تازه باصلاح اداره مقصد خود نمی بردازی و هنوز هم آستانه قدس را بوجهه های عرقوب و چابلوسی و پلنیکات شخصیه اداره نموده ، خلیل غریب است که امنای ایران را نیز عطف نظر بدین قبه الاسلام نیست و بکنفر ترقی خواه را بدین صوب ملزم مینمایند ، کدام آخوند است که مرتکب اینگونه پیرویه بازی شده و چنین خیانتی بخواهه مقصد حضرت نام

کرماتش را گرفته و گرونکه داشته اند ( اگرچه يك تهديد جدی والی پشت کوه بسروا پیدرش پس هاد بدون اینکه بدر مجبور بدادن پیشکش بشود ) از طرف دیگر مجلس ملی خیلی متغیر شده است از اینکه بطور آشکار این وزرا بخاینده های خارجه که بآنها وعده امتیازات حاصل خیزه خارجه می دهند حمایت می نمایند، و وزرای مزبور علی الرعم خودشان حالا معزول شده اند

مداخله آلمان که وزرای ایران از روی بی احتیاطی در مسئله ارومیه تکبیه گاه خودشان کرده بودند مایه عزل آنها شد و حال آنکه مردمان حائل میدانند که این مردمان آلمان يك ( بلف ) ( یعنی چیزی جوف است ) و در آن آخر همایه ما روس بکقدم جلوتر خواهد گذاشت. چنانکه در مسئله نمک بواسطه يك حکم ماحق تمام خسارت مالیات نمک را در ایران روی نمک ملی ما انداخته حالا همه ایرانی ها میدادند که داد طلبان سفلی های بزرگ فقط در خیابان خودشان هستند و مشروطه در صورتی مطلوب است که موافق قاعده شرایط آن اجرا شود. و همه کس می خواهد بداند که عندالحاجه بیک رجوع بکنند، چرا که پادشاه طالع است نایب السلطنه بحالت ضعیف افتاده وزرا از اکثریت متطلبین مطالب يك خود را بیک دیگر رجوع می کنند، بدون اینکه نتیجه حاصل بشود عود استبداد و تغییر اساس حایه حتی و نزدیک است و این تغییرات را حای و موسس منتخبر عالم مملکت خواهند شد و برای تأخیر عود آن در سرکارهای معتبر و رای ملک ها و نمازها خواه دولت باشند خواه ساطه لازم است

امما صدیق الملك

البته مطالعه کنندگان می دانند که صدیق الملك لقب وزیر مختار ایران در لاهی است که برادر کوچک تر و مقول تر حبیل خان پیش او مستخدم است، و این دیوانه این مزخرفات را که اگر عین روزنامه حاضر نبود کسی باور نمی کرد بامصاحبه خود که صدیق الملك می گوید نوشته و مایه حسرت و تائیب و نشر همی و تبییه اشخاصی شده که

که تمام ایران از شاه و نایب السلطنه و وزرا و وکلا و افراد ملت تهمت زده است توجه نموده و بجنب توجه همی بطرف این قبیل مفسدین مقیمین پاریس اکتفا می نماید، همین قدر از عقلا سؤال می کنند که نوشته سابق مرکز مبنی بر اینکه حبیل خان آناوشی است بعد از خواندن این تفصیل ثابت شد یا خیر؟ خداوند بظلاً توفیق و چشم بینا و مابن دیوانه شعور بدهد.

مکتوب از بصره

( هر دم ازین باغ بری میرسد )  
( تازه تر از تازه تری میرسد )

قطعه نخلستان موسوم به فدای که واقع است میان قزو و ابوالخصیب که حالا تصرف مالکیت آن در ید محمد منبری است از ۸۰ سال یا زیاده تر که این زمین نخلستان نداشت صاحب اول این قطعه زمین را بفلاح ها قرار ممداری در محکمه قضاوت گذارده بوده. و سند شرعی میباش ملک وفلاح رد بدل و از آن زمان به موجب همان ورقه قرارنامه هر کدام از ملک وفلاح سهم خود را تصرف می شدند وفلاح ها تمام اما عس جد از طایفه محبس و تبعه دولت علیه ایران بوده اند، چون از ابوالخصیب تا قلی هنوز حکومت عثمانی تهر بر نفوس نکرده و از مرکز حکومت هم دور است همه وقت ملاح ها اگر شکایتی داشته به حکمرانان محرمه می کرده اند، تا این اوقات به قول بعضی محمد بیک منبری زاده سند مالکیت شرعی خود عوض بورقه طاوود سند خاقانی کردا محض آنکه سند خاقانی بدست آورد چون دختر عبدالوهاب پشای قرناس زاده را در حباله سکاح داره امر از والی صادر کرده که باید فلاحها حقوق اجاری خود را بگذارند و هر حای خواهند بروید، ملاحها که این خبر شنیدند کافی السابق عرض احوال خود را به سردار ارفع برده جواب شنیدند که بروید بصره وکیل بگذارید ادعای حق خود بنمائید، آمدند بصره سید سبحان انندی را بوکالت شرعی به احرت مفتاد لیره عثمانی از جانب خود وکیل کردند و روانه خانه های خود شدند، محمد منبری مجدد از والی حکم اخراج ملاح ها را بر ضابطه صادر کرد، فلاحها دوباره عرض حال به سردار ارفع نمودند

و خواهرش در خانه سردار ارفع است حامل پیغام شد که از جانب سردار ارفع به محمد منشری بگوید که رای سردار ارفع این است که مهلت به فلاح ها بدهد تا امر محکمه معلوم شود

مدرگذشت از هیچ طرف صدائی نه بود تا روز يك شبه ۱۴ ع ۲ شهرت دادند که محمد جنمان تهدید قتل به محمد منشری کرده طاہور اقباسی رفته او را حلب نماید و جهاز حنکی مرمریسا رفته که او را دستگیر و خانه ولانہ محمد جنمان و تابین او را به توب بسته خراب کند. دوشنبه ۱۵ جهاز مرمریسا مراجعت وزیر معنوک و پسرش و دو سه نفر دیگر را به عوض محمد جنمان آورد، معلوم شد که این چند نفر اهمیت ندارد آنها را مرخص کردند، دوباره والی امر داد به کپتان جهاز مرمریسا که قدر کنایت روعی نفت همراه برده آنچه خانه از جوب وی است آتش زده بعد ازان تمام عمارت (کرت زین) که مال سردار ارفع است با زمین برابر کرده مراجعت کن. ساعت يك از روز دوشنبه ۱۵ ع ۲ جهاز مرمریسا به طرف (کرت زین) که در حاک عثمانی ولی املاک و عمارات آن تمام مال سردار ارفع است حرکت. ساعت ده از روز مراجعت کرد. معلوم شد که چون سردار ارفع تشریف برده بردن کارون فلاح ها دست از پا خطا نکرده زن و بچه خود را از خانه ها بیرون کرده به جا های دور نشسته تا شا میگردند، جهاز و عسکر وارد (کرت زین) شد اول خانه های جوبی و نی را آتزرزده سوار جهاز می شوند و به صرب توب تمام عمارات سردار ارفع را خراب و با زمین برابر کرده معاودت کرد.

معروف شد که والی امر به صابطه داده که روز بعد جناب آقا میرزا حمزه خان و حاجی مصطفی انندی منشی مشاوار الیه را گرفته حبس نمایند. ازین واقعات جناب باعث تشویش خاطر ها و بریشانی حواس قاطبه مردم خصوصاً طایفه شیمه از نجه ایران و عثمانی شد که فوق تصور بود. اغلب مردم یقین حاصل کرده اند که برودت میان دو تین واقع شده بلکه والی در پی بهانه جوبی است. بعد معلوم شد که رفته است کار پرداز خانه متوسل به کار پرداز شده بلکه تلگرافی در لکه دار کردن سردار ارفع بگیرد و مخابره به طهران نماید. بعد مردم دوسه تحقیق

و جستجوی بر آمدند که آن هم محبت و یگانگی که میان والی و سردار ارفع بود چه طور شده که یکدفعه به این نوع دشمنی و عداوت کشیده که والی مرتکب همه نوع حرکات خلاف قانون گردید.

میگویند والی قول به سردار ارفع داده که مبنی برای خود و دور دایره اش برای عفو تقصیرات فالح ولد سپهبد که سال گذشته پانی دولت بوده و چهار ماه قطع طریق آمد و رفت جهازات آتشی و شرعی میان بصره و بغداد کرده بود بدهد. قرب ۴۰ روز میشود که والی عفو فالح از وزارت داخله صادر کرد در ضمن هم قرار شده بود که والی بعد از صدور امر عفو از اسلامبول مقاطعة از عماره به فالح بدهد و حق معین را بگیرد. و نانی قطعه ملکی که مبارک صباح چنانچه روزنامه الرقیب بیان می کند خریده بود محرم بیگ والی سابق مخابره به اسلامبول کرد که صلاح نیست این ملک به مبارک صباح به تصدیق حکومت مبابیه شود. امر در منع مبابیه صادر شد این هم گویا بواسطه سردار ارفع شد. و آن قدریکه والی چشم داشت نیابت و مزید بر کدورت شخصی والی گردید. و پی بهانه بود.

شب دوشنبه هشتم ربیع الثانی عبدالوهاب پاشا قرطاس زاده مجلس مهانی فراهم و سردار ارفع و والی را وعده خواست. يك ساعت نیم از شب گذشته مهانات مکرم جمع شدند. والی در عالم یهودی خواست بعضی حرکات ناشایسته در حضور سردار نماید گویا از بی ادبی والی سردار ارفع رنجیده و مووت بهم خوردگی مجلس شده صاحب خانه بدست پای سردار افتاده رفته و خاموش سکرت بعد از مراجعت والی به جای خود محمد منشری را ظلیلید و با او دمساز شد که نیت قتل به محمد جنمان و دست آویزی از محمد منشری گرفت چون خانه محمد جنمان متصل خانه سردار ارفع بود باین بهانه خانه سردار ارفع را دو کرت زین خراب نمود. و روز سه شنبه ۱۶ ربیع الثانی صبح زود پولیس و خطبه و حامورین بلده را در مقام راسته بازار فرستاد که حملجات سردار ارفع مشغول بنانی و تعمیر بودند و در نهایت

توضیحات اضطراری

هرگز اتحاد و ترقی تکلیف خود را از روی مسلك و پروگرام خود دانسته و مباحثه دربارۀ اشخاص را بر خود حق الامکان قدغن کرده است. اگر سابق از ناچاری از مفسدین پاریس اسم برده و به معرفی آنها اجمالاً پرداخته اضطراری بود، و تا مذاقۀ صحیحه و مذاکرات لازمه در آن باب بعمل نیامد و با کثرت آرا حکم بر انتشار اسامی آنها صادر نشد اقدام بآن نمود، بعد از آن سکه جراید ملی صورت اسامی مستبدین را منتشر کردند عقلائی ملت و افراد با ادلاع همه ملتفت شده و گفتند که مرکز در افکار و اعمال هر يك از مفسدین مذاقۀ لازمه بکار برده و هر چه نوشته است از روی صحت است، چرا؟ بجهت اینکه هیچ قاطعی متکر نخواهد شد که شب تاریک است و روز روشن

در این بین دوکتور حلیل خان معلوم الحال زور نریاک و آلکول در پاریس خیلی دست و پا زد و چون اسناد یا بهر از او در دست بود لابد هر شکل منقلبه که بود خواست کاری کرده و در آب گل آلود اعمال و اسناد خود را مستور دارد از حمله مایران کاند پرانی‌ها نمود. محامیان سپه‌دار اعظم و سردار اسعد و باغلب جراید محترمه لواجی‌ها نوشته و بعد از خواندن در قهوه خانهای شب و معطل کردن بعضی از طلاب و محترمین مایران فرستاد اجمالاً خواست در ضمن تهمت‌های واضح بدیگران خیانت‌های خود را مستور و خود را بری‌الدمه بکند هر چه او کرد مرکز اتحاد و ترقی سکوت نمود چرا که می‌دانست که رجال دولت و عقلائی ملت و جراید محترمه ایران بعد از این همه زحمات و نجریات از این قبیل اشخاص گول نمی‌خورند و همین طور هم شد

ما چه گفته بودیم؟ ما گفته بودیم که دوکتور حلیل آثار شیت است، و بخدای خود ناسزا می‌گوید حالا می‌گوئیم که این دوکتور مصنوعی خاین ملت و دشمن همه که وجود و بهالسنش از برای جوانان مکروب مهلك است، چرا بجهت اینکه همین حلیل خان فصل ذیل را در روزنامه (کورید اروپین) مورخه بیست و نهم آپریل نهمه ۸ نوشته و خودش در

الانکه نباید بارین باقی اعمال این مرد غیور را برده درمی‌نکرده و بنوق هوشمندانه و آگذار مینمایم که ملتقت شده و دریابند در صورتیکه فلان الملک چنین باشد ذیل الملک و حاشیه الدوله و متمم السلطه را احوال معلوم است، کدام يك از مصادر امور بدین تراه ها گوش خواهند داد کدام يك است که اینگونه مطالب را بنور رسیدگی نموده و جز اقوال کاذبه و ترمات نشمارد، اگر در تبدیل سلطنت مستقله بمشروطه بکنز شیخ فضل الله آنهم به اغوای دولتبان با ملت مخالفت ورزید و عاقبت جزای خویش رسید از اطراف دیگر شیخ فضل الله های نوعی بنام مجمل ها مقتدر ها بهادر ها . . . ایاله ها هزاران هزار مخالفت برخواسته و هر چه توانستند کردند و عاقبت بمجازات هم نرسیده بسیار مضحک است که بعضی از مردمان لفظ آخوند را بد میدانند و حال اینکه موضوع دارد ولی تفکر نمیکند در اینکه بکنز لاغر و مرده را اشجع السلطنة نام نهاده دیگر روباہ نظرت را اسد الدوله نامیده‌اند در اطاله اطاب این حمله مختصراً عرض مینماید که لفظ آخوند موضوعاً (آغا خوانده است) و این از الفاظی است که در زمان جنگجویان بطور استعاره و ترکیب در ایران شیوع پیدا نمود

از اخبار تازه مشهد اینکه بحیر الدوله رئیس استیفاف وارد شد و عجائبات شخص خوبی است، و دیگر اینکه چندی بود رؤسای ادارات مشهد راه مخالفت با همرا بپشه نموده بودند بتازگی ظاهراً مخالفت برداشته شده، و دیگر اینکه جمعی از رجال و اعیان و تجار مشهد بجهت نوشته و بمهر رسانده بطهران فرستاده‌اند و در آن بجهت غرض ابالت واجداً خواستار شده اند تا چه نتیجه بدهد

مسلك مرکز اتحاد ترقی - پروگرام مرکز (توضیحات اضطراری)

مسلك مرکز اتحاد و ترقی، نجات مملکت ایران و تأیید دوایر دولتی و وکلای عظام و جراید ملی در رفع مخاطرات حالیه وطن است. پروگرام اعضای مرکز، تدقیق در اصول امور و پیدا کردن راه و تحقیقات در جارة استقلال و اصلاح نظام بنای تحقیقات خود بر انبای وطن است